

داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی:

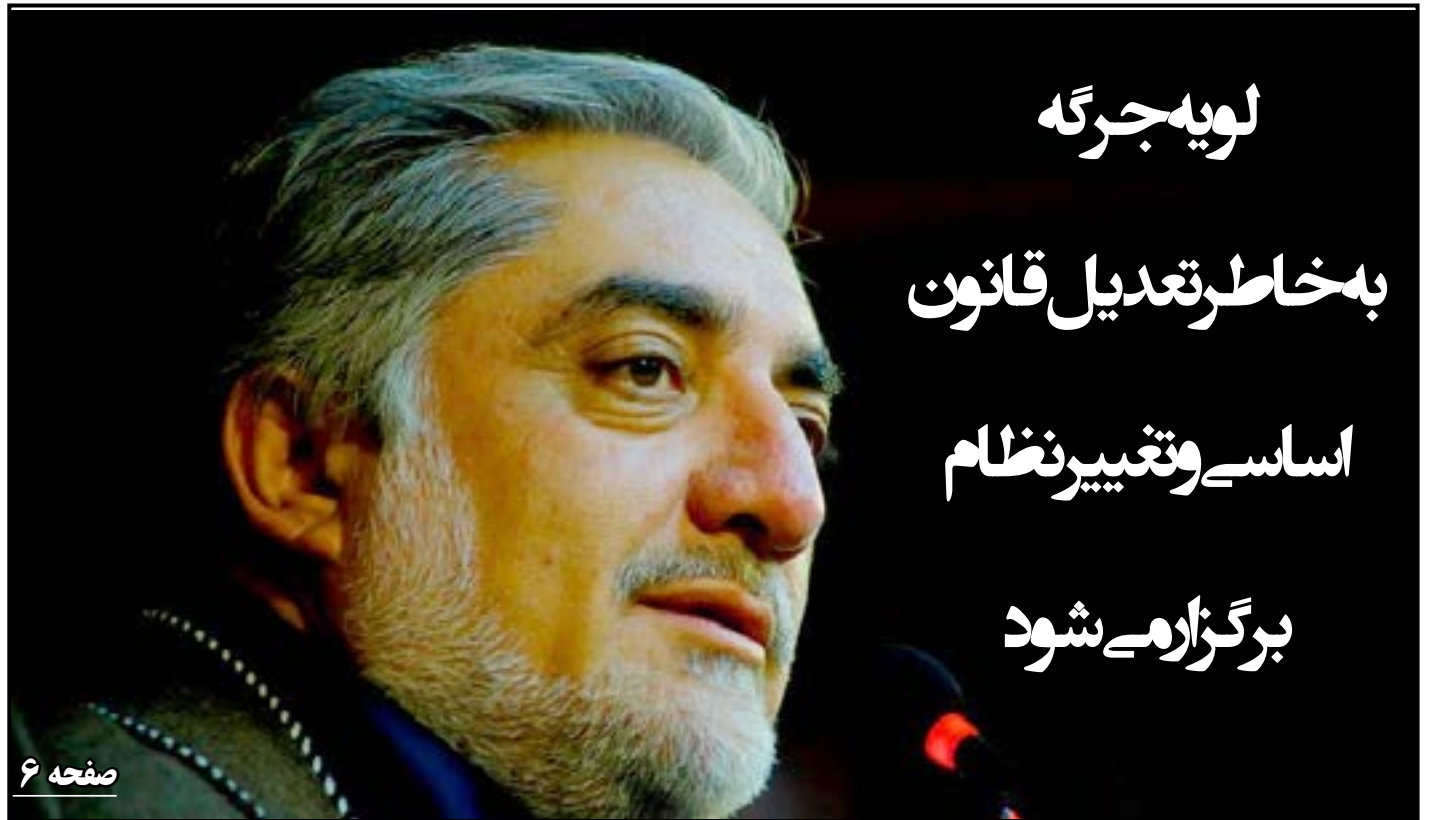
اصلاحات در نهادهای انتخاباتی از صلاحیت‌های ریاست اجرایی است

لویه جرگه

به خاطر تعدیل قانون

اساسه و تغییر نظام

برگزار می‌شود



صفحه ۶

کشف و قید ۶۵۰ کیلوگرام
مخدر در هلمند و بدخشان

نیروهای ویژه مبارزه با مواد مخدر افغانستان، طی پنجروز گذشته ۶۵۰ کیلوگرام مخدر را در بخش‌های مختلف کشور کشف و به دست آورده‌اند.

دفتر رسانه‌های وزارت داخله افغانستان با نشر خبرنامه‌ی می‌گوید که چهارروز پیش ۴۲۰ کیلوگرام مواد مخدر و مقداری جنگ‌افزار در یک عملیات ویژه قطعه خاص عملیاتی مبارزه علیه مواد مخدر در هلمند توسط این نیروها کشف و گرفته شده‌است.

هم‌چنان دوازده روز پیش ۲۲۰ کیلوگرام تریاک را در یک عملیات دیگر کشف و ضبط نموده‌اند.

خبرنامه می‌افزاید که این مواد را قاچاق‌بران در یک موتر کرولا به گونه ماهرانه جاسازی نموده بودند و زمانی که می‌خواستند آن را به کابل انتقال دهند...

ادامه صفحه ۶

نمایندگان مجلس:

با این کمیسیون‌ها برگزاری انتخابات پارلمانی ناممکن است



کشور به وجود نیاید، برگزاری انتخابات پارلمانی نیز امکان پذیر نیست.

غلام حسین ناصری گفت: «اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی مشروعیت خودشانرا از دست داده‌اند، اصلاح نهادهای انتخاباتی جز توافقات سیاسی سران حکومت وحدت ملی نیز است و باید در این راستا اقدامات جدی صورت گیرد».

عبدالقیوم سجادی دیگر عضو مجلس هم یاد آور شد: «انتخابات پارلمانی با بی باوری جدی مردم مواجه است؛ ابتدا باید اعتماد سازی شود، اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی با شجاعت استعفا دهند».

آقای سجادی افزود: شورای ملی باید با ایجاد کمیسیون مشترک در مورد نحوه برگزاری انتخابات پارلمانی موارد مشخصی را جهت اصلاحات در

نمایندگان مجلس از چگونگی برگزاری انتخابات پارلمانی نگران هستند و می‌گویند که به وجود آمدن بحران در انتخابات گذشته و عدم مدیریت کمیسیون‌های انتخاباتی مردم را نسبت به انتخابات بی باور کرده است.

به همین منظور مجلس نمایندگان، بحث روی کارکرد کمیسیون‌های انتخاباتی در انتخابات گذشته و چگونگی برگزاری انتخابات پارلمانی را در آجندای دیروز شنبه خود گنجانیده بود.

انتخابات پارلمانی قرار است سال آینده خورشیدی برگزار گردد.

نمایندگان مجلس با تاکید در برگزاری به موقع انتخابات آینده پارلمانی می‌گویند: تا زمانی که اصلاحات گسترده در اداره و سیستم انتخاباتی

کمیسیون‌ها و سیستم انتخاباتی به جانب حکومت پیشنهاد کند.

اصلاحات در سیستم انتخاباتی نیازمند تغییرات در قانون انتخابات است. مجلس نمایندگان در سال آخر کاری شان...

ادامه صفحه ۶

هیأت رسانه‌ی افغانستان از روسیه برگشت



صفحه ۷

غنی عمره رفت
عبدالله به خوست می‌رود؟

اشرف غنی احمدزی رییس دولت وحدت ملی، صبح امروز به منظور انجام حج عمره در راس یک هیأت عالی رتبه دولتی عازم عربستان سعودی شد. این سفر در حالی صورت گرفت که ریاست جمهوری کشور فقط اعلامیه بی را در خصوص سفر اشرف غنی احمدزی به چین منتشر کرده بود. کاربران شبکه‌های اجتماعی در افغانستان...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها

شناسنامه‌های
برقی
در دست دولت
وحدت ملیسیری در
نظریه‌های
همگرایی
منطقه‌ییکی‌یرکیگارد و
فرالخلاقی بودن
رابطه بشر با
خدااهمیت حکومت
وحدت ملی؛
اصلاحات در نظام
سیاسی یا تقسیم
قدرت؟

سخن ماندگار

بایسته‌های گزینش کابینه جدید

در توافق‌نامه سیاسی میان اشرف‌غنی احمدزی به عنوان رییس‌جمهوری و عبدالله عبدالله به عنوان رییس اجرائیه حکومت وحدت ملی، قدرت سیاسی به گونه مساوی تقسیم شده است. رییس‌جمهوری و رییس اجرائیه بر اساس این توافق‌نامه، کابینه جدید را در تفاهم با هم گزینش و آن‌گاه به شورای ملی برای کسب رای اعتماد معرفی می‌کنند. هرچند هنوز مشخص نیست که کابینه جدید چه زمانی تشکیل خواهد شد، ولی از سخنان چند روز پیش دکتر عبدالله عبدالله رییس اجرائیه دولت وحدت ملی چنین برمی‌آید که ظرف یک ماه آینده کار انتخاب اعضای جدید کابینه باید انجام شود.

دکتر عبدالله در دیدار با برخی شهروندان کشور گفته است که کابینه جدید پیش از برگزاری کنفرانس لندن تشکیل می‌شود. در حال حاضر بر اساس فرمان رییس‌جمهوری، وزیران به شکل سرپرست وظایف خود را انجام می‌دهند. تجربه افغانستان نشان داده که انجام وظیفه در وضعیت سرپرستی می‌تواند به فلیج شدن نظام اداری کشور بینجامد. در گذشته نیز برخی پست‌های دولتی در وضعیت سرپرستی قرار داشت و این موضوع سبب جنجال‌های بزرگ در کشور شد. رییس قوه قضاییه کشور حداقل سه سال را در مغایرت با قانون به گونه سرپرست اجرای وظیفه می‌کرد و این موضوع باعث اختلال در این قوه شده بود.

حالا نیز کشور در وضعیت نابسامان اداری قرار دارد. هر روز رسانه‌ها از کم‌کاری و کارشکنی در ادارات و نهادهای دولتی سخن می‌گویند. شهروندان از عدم رسیده‌گی به مطالبات‌شان در نهادهای دولتی شاکی‌اند و می‌گویند روزها را پشت دروازه‌های وزارت‌خانه‌ها سرگردانی می‌کنند و کسی نیست به آن‌ها پاسخ دهد. آن‌چه که از شکوه و شکایت‌های شهروندان می‌توان استنباط کرد این است که افغانستان عملاً در وضعیت تعطیلی قرار گرفته و نهادها فعالیت‌های خود را متوقف کرده‌اند. این وضعیت پیامدهای ناگواری را به دنبال می‌آورد. یک روز کم‌کاری در یک اداره، می‌تواند حجم بزرگی از کارها را به آینده موکول کند و در نتیجه نابسامانی به‌صورت مزمن گسترش می‌یابد.

فراموش نباید کرد که نهادهای دولتی در گذشته نیز چندان فعالیت چشم‌گیر نداشته‌اند و بیشتر آن‌ها به وظایفی بیرون از حوزه کاری خود مشغول بودند. وزیر معارف به‌جای سامان دادن به وضعیت اسفبار آموزش و پرورش در کشور، مصروف کارهای سیاسی در حوزه‌های دیگر بود و یا روند مذاکرات میان پاکستان و افغانستان را دنبال می‌کرد و قس علی‌هذا.

از جانب دیگر، مشکل اساسی در عرصه مدیریت جامعه، تراحم نهادها و ادارات بود که گاهی در عرض و گاهی در طول یکدیگر قرار می‌گرفتند. برای مبارزه با فساد، چندین اداره و کمیسیون هم‌زمان وظایفی را به عهده داشتند. در عرصه مبارزه با مواد مخدر و کارهای اقتصادی نیز چندین نهاد و اداره هم‌زمان ظاهراً مشغول بودند. و این تراحم ادارات و نهادها در حالی بود که گاهی به جان هم می‌افتادند و گاهی هم شهروندان نسبت به عدم رسیده‌گی به خواسته‌های‌شان از آن‌ها انتقاد می‌کردند. بر این اساس، باید چند مورد را در تشکیل کابینه جدید از همین حالا لحاظ کرد:

۱) کاهش نهادها و وزارت‌خانه‌ها: یکی از مهم‌ترین اقدام‌های سران دولت وحدت ملی، تفاهم در مورد کاهش نهادهاست. به‌ساده‌گی می‌توان برخی نهادها را با یکدیگر ادغام کرد و یا از خیر برخی دیگر گذشت. شاید وزارتی مثل مبارزه با مواد مخدر به‌دلیل موقعیت افغانستان در عرصه تولید و قاچاق مواد مخدر موجه به نظر برسد؛ ولی یک بار اگر به کارکردهای این وزارت توجه شود، آن‌گاه مشخص خواهد شد که «عدم‌ش به ز وجود» است. نهادها و کمیسیون‌های متعدد مبارزه با فساد نیز به چنین سرنوشتی روبه‌رو هستند. وزارت‌های سکوت اقتصادی نیز به‌ساده‌گی می‌توانند در یک نهاد به وظایف خود رسیده‌گی کنند. مهم موجودیت نهادها نیست، بل کارایی آن‌هاست. حداقل باید در دولت وحدت ملی این میزان سنجش صورت گیرد که چه‌گونه می‌شود کارایی نهادها را افزایش داد.

۲) انتخاب افراد شایسته و متعهد: حکومت‌داری آقای کرزی با چهره‌های مشخص مورد اعتماد او، زبان‌زد عام و خاص است. در زمان حکومت‌داری آقای کرزی گفته می‌شد که در شطرنج سیاسی او فقط مهرها جابه‌جا می‌شوند. آقای کرزی کل افغانستان را در آیین حدود چهارصد نفر از افراد وفادار به خود می‌دید و همین افراد بودند که سیزده سال بر افغانستان سلطه راندند. برای آقای کرزی چیزی به نام تخصص و شایسته‌سالاری مطرح نبود. او می‌گفت کسی از همه شایسته‌تر است که بلی قربان‌گوی بهتری باشد. انتخاب افراد شایسته در رأس نهادها که از تعهد لازم برخوردار باشند، از اولویت‌های دولت وحدت ملی است. متأسفانه نوع مدیریت سیاسی آقای کرزی این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کرد که افغانستان کشور «قحط الرجال» است. در حالی که واقعیت چنین نیست و در این کشور افراد شایسته و متعهدی که می‌توانند به‌خوبی از پس وظایف خود بیرون شوند، به فراوانی یافت می‌شوند.

۳) ارتقای کیفیت کاری: کارایی نهادهای دولتی مهم‌ترین مولفه حکومت‌داری خوب بوده می‌تواند. تا زمانی که نهادهای دولتی نتوانند کیفیت کاری خود را افزایش و ارتقا دهند، انتظار اصلاحات را نمی‌توان کشید. دولت وحدت ملی باید در راستای ارتقای کاری نهادهای دولتی خود را متمرکز سازد. با وزیران غیرمتخصص و ناآشنا با مدیریت کاری نمی‌توان هیچ تکانه‌یی در وضعیت ایجاد کرد.

شناس‌نامه‌های برقی در دست دولت وحدت ملی



و اقلیت تعریف شده‌اند. باقی بماند، حالا به هر قیمتی از جمله نقض قانون و مخالفت با خلقت خدا.

پنهان کردن هویت‌های قومی و نیاوردن آن در رویه شناس‌نامه‌ها، به چند هدف صورت گرفته است:

نخست، هدف تیم کرزی از ذکر نکردن هویت قومی در رویه شناس‌نامه، حاکمیت قومی و پنهان‌کاری ادعایی صورت گرفته بود که به خورد مردم در راستای کمیت نفوس اقوام داده شده است. این احتمال هم به دور نیست که افراد حکومتی در فورمه‌ها و بانک معلوماتی (دیتابیس) که در اختیارشان است، هویت افراد را به هدف اکثریت‌سازی و اقلیت‌سازی جعل کنند.

دوم، شماری از افراد که دچار تزلزل هویتی‌اند، از درج هویت خویش ننگ‌شان می‌آید، بنابراین ترجیح داده‌اند و می‌دهند که به هویت‌های تخیلی و برساخته پناه برند.

سوم، این کار دقیقاً در راستای هویت‌زدایی از اقوام صورت گرفته است. همه آن‌هایی که خواهان حذف هویت‌های قومی‌اند و نمی‌خواهند هویت قومی شهروندان در رویه شناس‌نامه‌ها ذکر شود، به این باور اند که درج نکردن هویت قومی شهروندان در رویه شناس‌نامه‌ها، در درازمدت زمینه را برای حذف هویت قومی فراهم می‌کند تا سرانجام هدفی را که شویونیست‌ها به آن می‌اندیشند - که همانا تحمیل هویت «افغان» بر همه است - عملی شود. آن‌ها به ظاهر، این کارشان را در راستای ملت‌سازی توجیه می‌کنند؛ اما غافل از این‌که این کار غیرانسانی و غیرعادلانه، شدنی نیست. هر آدم، با هویت و زبان و فرهنگش شناخته می‌شود، گرفتن هویت و زبان آدمی، نوعی خشونت و بیدادگری است.

قانون ثبت احوال نفوس که در راستای حذف هویت‌های قومی از شناس‌نامه‌ها توسط برخی از نماینده‌گان تصویب شد، قابل قبول نهادهای مدنی و شهروندان آگاه و باورمند به عدالت این سرزمین، نیست. این قانون با ۷۷ رأی موافق در برابر ۶۱ رأی مخالف، به تصویب رسید، در حالی که نزدیک به یک‌سوم نماینده‌گان نیز غیر حاضر بودند. یعنی اگر همه نماینده‌گان حاضر می‌بودند، شاید این قانون در مورد ذکر هویت قومی در شناس‌نامه‌ها، به گونه‌ی دیگر تصویب می‌شد. به هر صورت، حالا کار این قانون از مجلس سنا هم گذشته و در دست رییس جمهوری دولت اسلامی افغانستان یا رییس دولت وحدت ملی است. انتظار می‌رود که دولت‌مردان کشور به‌خصوص رهبران دولت وحدت ملی متوجه حساسیت درج هویت‌های مستقل مردمان ساکن در افغانستان باشند و به آزادی‌های قومی و ملیتی مردم احترام بگذارند. چنان نشود که شناس‌نامه‌های الکترونیکی توزیع شود اما هویت مردمی که آن را به‌دست می‌آورند، در آن گنجانیده نشده باشد!

حکومت مجاهدان و طالبان) به شهروندان توزیع کرده‌اند، هویت قومی شهروندان و زبان مادری‌شان درج است.

اکنون سند معتبر دیگر در راستای به رسمیت شناختن هویت‌های قومی افغانستان، قانون اساسی است. در این قانون، بند سوم ماده چهارم آن، این‌گونه تذکر رفته است: «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد.»

بنا بر آن، نماینده‌هایی که به حذف هویت‌های قومی در شناس‌نامه‌ها رأی داده‌اند، در مخالفت آشکار قانون اساسی و آیت قرآن قرار گرفته‌اند. استدلال شماری از مدافعان و توجیه‌گران این کار خلاف قانون، این است که قومیت افراد در فورم‌های خاص و حافظه شناس‌نامه‌ها درج است، پس لازم نیست که در رویه شناس‌نامه‌ها ذکر شود. اما این مسأله خود مبین نوعی پنهان‌کاری است؛ چون وقتی خدا هویت قومی بنده‌گانش را دلیل شناختن آن‌ها ذکر نموده و قانون اساسی نیز، این هویت‌های قومی را به رسمیت شناخته است و در فورم‌های ثبت نام و حتا در حافظه شناس‌نامه جا داده می‌شوند، پس دلیل نیاوردن آن در رویه شناس‌نامه، به‌جز هدف سیاسی و تداوم روند حذف هویت شهروندی، چه می‌تواند باشد؟

هر شهروند مطابق قانون حق دارد که به معلومات عادی و لازمی دسترسی داشته باشد؛ لذا محروم ساختن شهروندان از دانستن هویت و تعلق قومی و زبان مادری‌شان، به هیچ‌وجه نمی‌تواند در راستای عدالت و قانون توجیه شود.

مسأله دیگر، مشکل نبود آمار دقیق از نفوس اقوام در افغانستان است. این کشور، شاید یگانه کشور عجیب و غریب دنیا است که همه مواردش بر اساس ادعا و تخمین شناخته می‌شود. این خود مشکل فراوانی را در راستای عملی‌سازی پروژه‌ها و برنامه‌های دولتی پدید آورده است. به صورت دقیق، مشخص نیست که کدام قوم چه‌قدر نفوس دارد و در کجا زنده‌گی می‌کند؟ چون سیاست حاکم در این دیار، سیاست انسانی و برخاسته از عدالت نیست، در این دیار تعامل توزیع منابع و قدرت بر اساس ادعای اکثریت و اقلیت است. حالا روند توزیع شناس‌نامه‌های معتبر الکترونیکی، فرصتی است برای دانستن شمار دقیق نفوس، قوم، زبان و... در این کشور.

این روند اگر به صورت درست عملی شود و قومیت همه در شناس‌نامه‌ها ذکر شود، در کنار این‌که به هویت‌های قومی و زبان مادری مردم ارج گذاشته می‌شود، روند آمارگیری و آمادگی را تسهیل می‌کند و این کاریست علمی و امروزی. اما سیاست حاکم بر آن است که ادعاهای واهی، در تمام موارد از جمله بحث قومیت و شمار نفوس هر قوم که اکثریت

قانون ثبت احوال نفوس که چه‌گونه‌گی سند شهروندی افراد را توضیح می‌دهد، هنوز راه به‌جایی نبرده و در هاله‌یی از ابهام باقی مانده است. اما گفته می‌شود که در دولت وحدت ملی برای توزیع این شناس‌نامه‌ها تلاش صورت می‌گیرد. اما هنوز این پرسش وجود دارد که محتوای شناس‌نامه‌های الکترونیکی چیست و چرا مردم تا هنوز در مورد آن معلومات کافی ندارند.

اگرچه قانون ثبت احوال نفوس بعد از جر و بحث‌های زیاد، توسط مجلس نماینده‌گان تصویب شد، اما تا کنون از عملی شدن آن چیزی گفته نشده است. نگرانی مردم این است که آن‌گونه‌یی که در این قانون تصویب شده بود که هویت قومی شهروندان در رویه شناس‌نامه‌ها درج نشود، چنان شود؛ زیرا آن تصمیم شماری از نماینده‌گان، در مخالفت با آیت قرآن و قانون اساسی کشور قرار داشته است.

در آیت ۱۳ سوره حجرات، خداوند در مورد خلقت انسان‌ها می‌فرماید: «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.»

بر اساس متن صریح این آیت قرآن، هویت‌های قومی چیزی است که خداوند به انسان‌ها داده است. یعنی رنگ، قوم، نژاد و دیگر تفاوت‌های انسانی، سبب شناخت یک‌دیگر است، نه مایه افتخار و ننگ.

همان‌گونه که در این آیت بسیار روشن ذکر است، ملاک برتری انسان‌ها درست‌کاری‌شان است نه قوم و قبیله‌شان؛ اما حذف هویت قومی و نادیده گرفتن آن نیز کاریست غیرعادلانه و خلاف اصل خلقت انسانی.

در تمام جوامع انسانی، ملت‌سازی و ایجاد هم‌دلی و هم‌گرایی میان مردم - چیزی که در افغانستان آن را «وحدت ملی» می‌نامند - با حذف تبعیض‌ها و با پیاده کردن عدالت و برابری میسر شده است، نه آن‌که قومی آمده باشد و هویت دیگران را نادیده گرفته و با زور و تحمیل، هویت‌های غیر از خود را در سرزمینی نابود کرده باشد و این کارش را وحدت ملی و کاری در راستای ملت‌سازی عنوان داده باشد.

همه نیک می‌دانند که روند به اصطلاح «ملت‌سازی» در این دیار - که همه شهروندان را «افغان» و نام کشورشان را افغانستان بگذارند - ناشی از یک ذهنیت به‌شدت قومی و برخاسته از تفکر پرورده‌گان اندیشه فاشیسم هنتری - اتاتورکی بود که در نهایت توسط قدرت‌های استعماری زمان، دست‌کم در نام‌گذاری کشور شکل گرفت. اما در مورد هویت‌های اقوام این سرزمین، هیچ زمانی به اندازه حاکمیت فعلی، هویت‌های قومی سلب نشده بودند.

در شناس‌نامه‌هایی که رژیم‌های پیشین (محمد ظاهر، حکومت‌های پس از انقلاب ثور،

وضعیت اضطراری در بخش‌هایی

از صحرای سینا



با روی دست گرفتن این اقدامات که بیشتر مربوط به شمال و مرکز شبه جزیره می‌شود، حکومت مصر به حمله شدیدی که در اثر آن حدود ۳۰ تن از اعضای ارتش روز جمعه کشته شدند، از خود واکنش نشان داده است. همچنین مقامات مصر تصمیم گرفته‌اند که گذرگاه رفح در مرز غزه را نیز مسدود کنند. به گفته مقامات، این حمله به طور دقیق برنامه ریزی شده بود. در شمال غرب شهر العریش، نخست یک بمب جاسازی شده در موتور منفجر شد، پس از آن حمله با نارنجک بالای پایگاه نظامی صورت گرفت. در نتیجه این حمله ۳۰ تن از اعضای اردو زخمی شدند که شمار زیادی از آنها از لحاظ صحتی در یک حالت بحرانی قرار دارند. این ترس وجود دارد که شمار کشته شدگان هنوز هم افزایش یابد. عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر در کنار اعلام حالت اضطراری و بسته شدن گذرگاه مرزی، یک عزای ملی سه روزه را اعلام کرد.

ایالات متحده آمریکا در کنار حکومت مصر

اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا این حمله خشونت‌بار را بلافاصله محکوم کردند. واشنگتن گفته است که ایالات متحده از تلاش‌های حکومت مصر در برابر تهدیدها از ناحیه تروریسم حمایت می‌کند. شبه جزیره سینا که بیشتر ساکنان آن بدوی‌ها اند و این منطقه با جنوب اسرائیل و نوار غزه هم مرز است، بخش‌های بزرگ آن به عنوان منطقه ای برای عقب نشینی گروه‌های شبه نظامی محسوب می‌شود.

این منطقه بارها و بارها صحنه حملات علیه نیروهای امنیتی مصر بوده است. چندین صد سرباز و پولیس مصر در اثر این حملات تا حال کشته شده‌اند. تنها در روز یکشنبه در جنوب العریش در نتیجه انفجار یک بمب جاسازی شده در یک موتور در نزدیکی یک لوله گاز، هفت سرباز کشته شدند.

تا کنون هیچ کس مسئولیت این حمله را برعهده نگرفته است. اما مقامات حکومت مصر در قاهره گروه انصار بیت المقدس را مسئول این حملات تروریستی خوانده‌اند. این گروه افراطی به اساس اظهار خودشان از جهادگرایان گروه تروریستی «دولت اسلامی» نیز حمایت می‌کنند.

مشی سختگیرانه علیه هوداران مرسی

گفته می‌شود که این حمله بالای پسته نظامی در العریش یکی از شدیدترین حملات از زمان سقوط محمد مرسی، رئیس جمهور اسلام گرا در جولای سال ۲۰۱۳ به این سو، بشمار می‌رود. بعد از سقوط و دستگیری مرسی ۱۵ هزار از پیروان او بازداشت شدند. این اعضای اخوان المسلمین مسئول چندین قضیه شناخته شده‌اند که مجازات مرگ آنها را تهدید می‌کند.

لاوروف:

دخالت آمریکا در امور دیگر کشورها به ثبات بین‌المللی لطمه می‌زند



«سرگی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه معتقد است تلاش آمریکا و شرکای غربی آن برای دخالت در امور دیگر کشورها و تحمیل مدل‌های خود به دیگران، به ثبات بین‌المللی لطمه وارد می‌کند.

لاوروف در مصاحبه با روزنامه Verdens Gang نروژ گفت: «متأسفانه ما شاهد تلاش‌های آمریکا و دیگر کشورهای غربی برای تحمیل مدل‌های خود به دیگران و دخالت در امور داخلی دیگر کشورها هستیم که به منظور دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک شان صورت گرفته و همراه با نقض اصول کلیدی حقوق بین‌المللی می‌باشد.»

لاوروف افزود: «این سیاست منجر به بمباران یوگوسلاوی، تجاوز به عراق و لیبی و بی‌ثباتی اوضاع در سوریه شده است و به ثبات بین‌المللی نیز به طور جدی لطمه وارد می‌کند.»

به گفته وزیر امور خارجه روسیه، حل مسائل معاصر جهانی و منطقه ای تنها از طریق تعامل و تشریک مساعی همه کشورهای عضو جامعه بین‌المللی امکان‌پذیر است و روسیه آماده است این موضوع را در امور بین‌المللی پیش ببرد.

تونلی بلر:

در نبرد عقاید با افراطی‌گرایی مبارزه کنید



در هفته‌های گذشته شاهد تغییر محسوسی در واکنش جهانی به رخدادهای عراق و سوریه بوده‌ایم. اکنون بیش از چهل کشور به رهبری آمریکا برای مبارزه با معضل دولت اسلامی (داعش) با هم ائتلاف کرده‌اند. این یک تصمیم منطقی است ولی کافی نیست.

چرا که مسئله فراتر از گروه‌های تروریستی مانند داعش، بوکو حرام یا الشباب است. مشکل اساسی، اسلام‌گرایی رادیکال است و از این رو تشخیص ماهیت کلی و گستره این معضل ضروری است. همچنین از طریق تجزیه و تحلیل است که می‌توان برای حل و فصل آن تدبیری اندیشید.

ماه گذشته من مجموعه‌ای از اصول هفتگانه ای را مطرح کردم که به باور من به درک مسئله کمک و از این راهکار حمایت می‌کند. واکنش‌ها به آن مقاله هر بار به بحث بر سر مداخله ختم شده است.

بدون شک برای مقابله با گروهی مانند داعش باید متوسل به زور شد. داعش از افرادی تشکیل شده که بدون تردید می‌جنگند، بی‌رحمانه می‌کشند و بدون پشیمانی می‌میرند. اما در تحلیلی که ارائه می‌شود پرسش اساسی که رهبران با آن روبرو هستند نادیده گرفته شده است: چگونه می‌توان علاوه بر مختل کردن اقدامات افراط‌گرایان، طرز فکر آنها را نیز برانداخت.

دانش‌آموزان در کابل، افغانستان: تونی بلر می‌گوید احترام به ادیان دیگر باید در همه مدارس آموزش داده شود

چرا که مادامی که در برخورد با گروهی مانند داعش ما به مقابله با دلایل وجودی آن‌ها نپردازیم، گروه دیگری به سرعت به وجود می‌آید که جای آن را بگیرد. به منظور مبارزه با ایدئولوژی آن که در طولانی مدت متحرف و وخیم تر شده، در نظر گرفتن آموزش به عنوان یک موضوع امنیتی ضروری است.

مطرح شدن به ندرت این مسئله در بحث اسلام‌گرایی افراطی، نه تنها گیج‌کننده بلکه هشدار دهنده نیز است. چرا که همه روزه به بیش از ده‌ها میلیون کودک در دنیا، در مدرسه‌های رسمی و یا مراکز غیر رسمی، نگرشی خصمانه نسبت به باورهای مختلف در دنیا آموزش داده می‌شود.

جهان بینی ما

جهان بینی گروه‌هایی مانند دولت اسلامی، به کمک شبکه‌های عظیم سرمایه‌گذاری و سازماندهی که بعضی از آنها در خاور میانه قرار دارند و بقیه به طور محلی پروراند می‌شوند، به جهان رسماً اعلام و گرویدن به آن ترویج و توصیه می‌شود. این مکان‌های پرورش افراطی‌گرایی، به طور خاص به صادرات آموزش‌های وهابیت سلفی می‌پردازند که بر آموزش اسلام در سراسر جهان تأثیر بسزایی دارد.

تونلی بلر معتقد است که عقایدی که سبب ترویج افراطی‌گرایی می‌شوند باید به چالش کشیده شوند

من نمی‌گویم که آنها به جوانان یاد می‌دهند که افراط‌گرا باشند. اطمینان دارم که بیشتر آنها این کار را نمی‌کنند. ولی به جوانان آموزش می‌دهند که جای خود را در طیفی از جهان بینی که در بخش‌هایی از جهان اسلام عمیقاً ریشه دوانده باز کنند. آنها نگرشی به دنیا را آموزش می‌دهند که ذهن‌های جوان و خام را منحرف کند و آنها را در موضع تنش با مردمی که متفاوت فکر می‌کنند قرار دهد.

چالش پیش روی ما این است که به جوانانی که در برابر فریبندگی تروریست‌ها آسیب پذیرند، نشان دهیم که مسیر بهتری برای شنیده شدن

صدایشان وجود دارد و اینکه، تنها آینده‌ای موثر است که در آن افراد با وجود دین و فرهنگ متفاوت با هم برابر باشند.

من از طریق بنیاد ایمان با این مسئله رودررو می‌شوم. مدرسه‌های این بنیاد در سی کشور گوناگون مانند پاکستان، ایالات متحده و سنگاپور، در برنامه‌های آموزشی برای جوانان دوازده تا هفده ساله پیش‌تاز بوده‌اند.

جوانان در این مدارس در کلاس‌هایی شرکت می‌کنند که به دنبال بالابردن درک آنها از مذاهب و باورهای دیگران، ابعاد هویت و الزامات شهروندی جهانی است. دانش‌آموزان همچنین در گفتگوهای ویدئویی با مدرسه‌های دیگر در شبکه جهانی شرکت می‌کنند و بدین ترتیب جوانان لبنانی و اندونزیایی ارزش‌های یکدیگر را کشف و بیان می‌کنند. همچنین با دانش‌آموزان دیگری در اوکراین و بریتانیا ارتباط برقرار می‌کنند.

این می‌تواند تجربه عمیقی برای دانش‌آموزان باشد. به تازگی از مدرسه‌ای اسلامی در جاکارتا بازدید کردم که در آن دانش‌آموزان با دانش‌آموزان مدرسه‌ای در هند که عمدتاً هندو بودند گفتگوی ویدئویی داشتند. با تماشای تعامل این جوانان در باره مسائل چالش‌برانگیزی مانند مذهب و فرهنگ خودشان، برداشتی کلی از آنچه که از این راه ممکن است به دست آوردم. «منحرف شدن»

با وجود آنکه این جوانان در کشورهای بسیار متفاوتی زندگی می‌کردند و مذاهب گوناگونی داشتند، دور هم جمع شده بودند و در یک تجربه مشترک درک بهتری نسبت به یکدیگر پیدا کردند.

مادرهایی که در اوج در نیجریه بر ضد دزدیده شدن دخترانشان توسط بوکو حرام تظاهرات می‌کنند

پیامدهای چنین تعاملی آشکار و به شدت مثبت است. اما تنها موسساتی مانند بنیاد من و «جامعه تعامل جهانی و صندوق برگشت پذیری» (Global Community Engagement and Resilience Fund) در چنین زمینه‌ای تلاش می‌کنند.

ما بیش از صد هزار دانش‌آموز داریم. این تعداد هنگامی که به انبوه جوانان نگرشی انحصاری و ارتجاعی از مذهب و جهان‌آموزش داده می‌شود، کم است. در چارچوب جهانی که مشخصه آن مردمانی است که فرای مرزهای نژادی و فرهنگی با هم آمیخته شده‌اند، این آموزه‌ها کاملاً برخلاف آنچه است که آن جوانان برای

موفق شدن در قرن بیست و یکم نیاز دارند. بنابراین مادامی که این موضوع با صداقت و صراحت لازم بررسی نشود، تمامی مبارزات و اقدامات امنیتی بی‌فایده است. همانطور که پیشتر اشاره کردم، نابخردانه‌ترین کار این است که به روند منحرف شدن طرز تفکر این نسل بی تفاوت باشیم و هم زمان هزینه‌های میلیاردی صرف تدارکات امنیتی برای مقابله با تهدیدی بکنیم که خودمان اجازه پیدایش آن را می‌دهیم.

اهمیت جهانی

هر چه زودتر، این موضوع را باید در گروه ۲۰ و یا هر نشست مناسب دیگری، به عنوان مسئله‌ای که اهمیت فوری و جهانی دارد مطرح کرد و منشور مشترکی تهیه کرد که توسط همه ملت‌ها پذیرفته شده و سپس به تایید سازمان ملل برسد. بدین ترتیب تعهد مشترکی ایجاد می‌شود که بر اساس آن متعهد می‌شویم که در تمام نظام‌های آموزشی فایده احترام به مذاهب را آموزش دهیم.

ملاله یوسف‌زی، برنده جایزه نوبل برای دفاع از حق آموزش مورد حمله قرار گرفت

این به معنی پایان مدرسه‌های دینی نیست و کشورها را وادار نمی‌کند که به کودکانشان آموزش دهند که تمامی ادیان یکسانند. کشورهای کاتولیک به کودکانشان فضایل ایمان کاتولیک را تدریس خواهند کرد. کشورهای مسلمان به تعلیم ارزش مسلمان بودن به کودکانشان ادامه خواهند داد. اما لازم است که همگی آموزش بدهیم که باید با مردمی که دینشان با ما متفاوت است برخورد برابر شود و برای ما محترم باشند. همچنین موظفیم آموزه‌هایی که نفرت و دشمنی می‌پراکند را ریشه کن کنیم.

چنین چیزی باید یک تعهد جهانی مشترک باشد. مانند اقدام برای ریشه کن کردن نژاد پرستی یا حفاظت از محیط زیست. ملت‌ها باید برای ترویج احترام و ریشه کن کردن بی‌احترامی تحت فشار قرار بگیرند.

اقداماتی که توسط بنیاد من انجام می‌شود، نشان می‌دهد که برنامه‌هایی که به جوانان درباره «دیگری» آموزش داده می‌شود باعث احترام متقابل می‌شود.

شواهد بسیاری نشان می‌دهد که این برنامه‌ها موثرند. ما احتیاج داریم که بر اساس آن عمل کنیم. باید بذری این نگرش را آنقدر به طور گسترده بیافشانیم تا ریشه بدهد و رشد بی‌رویه علف هرز گمراهی مهار شود.

بخش دوم

سیری در نظریه‌های همگرایی منطقه‌ی



الهه کولایی

از سرشت دولت، بلکه یک بیماری در روابط کشورهاست که از نقایص اجتماعی - اقتصادی زنده‌گی انسان ناشی شده است. ۲- جنگ ناشی از نظام دولت‌های ملی است. دولت‌های ملی به طور فزاینده‌ی کفایت خود را برای حل و فصل مسایل جوامع انسانی از دست داده‌اند. تأمین صلح، نیازمند ایجاد سازمان‌های ویژه‌ی برای حل مسایل اقتصادی - اجتماعی است. تاریخ جهان شاهد ارتباط مستقیم میان عقب‌مانده‌گی و جنگ است. ۳- با توسعه‌ی سازمان‌های تخصصی بین‌المللی برای حل و فصل مسایل حوزه‌ی دیپلماسی می‌توان از روابط خصومت‌آمیز پرهیز کرد. همکاری بین‌المللی نخبه‌گان در بخش‌های غیرسیاسی، سبب تأثیر بر صاحبان قدرت در عرصه‌های سیاسی شده، حاکمیت کشورها را کاهش خواهد داد. به این ترتیب در نظریه‌های کارکردگرایی نه تنها جنگ و صلح، بلکه ایجاد نهادهای جهانی برای حفظ روابط صلح‌آمیز مطرح بوده است. از این منظر جدایی مسایل سیاسی و غیرسیاسی، پذیرفته تلقی شده است. این فرض اصولاً مورد قبول هواداران نظریه‌های کارکردگرایی بوده که مسایل جوامع انسانی لایه‌لایه و قابل تفکیک از یکدیگر هستند. کارکردگراها سپس برای لایه‌های امور اقتصادی و اجتماعی نسبت به بخش‌های دیگر اولویت قابل شده‌اند. فروض دیگر آنان، قابلیت انتقال تجارب انسانی از یک حوزه به حوزه‌های دیگر است. با آشکار شدن مزایای همکاری بین‌المللی در عرصه‌های فنی و اقتصادی، اشاعه (۹) و تسری (۱۰) آن به دیگر عرصه‌ها نیز تحقق می‌یابد. در این نظریه‌ها به شرط عقلانی رفتار کردن انسان‌ها، دگرگونی در شرایط ذهنی آن‌ها مطرح شده است. توسعه‌ی سازمان‌های کارکردی با توجه به تأمین منافع مشترک، عاداتی را برای همکاری ایجاد می‌کند که انسان از طریق همکاری برای هدایت و کنترل و امور بین‌المللی به آن خو می‌گیرد. جوزف نای در بررسی‌های خود، شرایط متفاوت کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را مطرح می‌کند. او چهار شرط را برای پذیرش اولیه‌ی شرکت در طرح همگرایی منطقه‌ی، سه شرط ادراکی متأثر از آن و چهار شرط فرآیندی را مطرح ساخته است. چهار شرط ابتدایی برای پذیرش طرح‌های همگرایی عبارت‌اند از:

۱- تقارن و برابری واحدهای درگیر در

برخی از واقع‌گرایان، سرشت روابط بین‌المللی را همانند سرشت انسان‌ها تعارض‌آمیز برآورد کرده‌اند. از این دیدگاه خودخواهی و سودجویی انسان‌ها آن‌ها را در برابر یکدیگر قرار داده است. ولی از دهه ۱۹۵۰ به بعد، به تدریج نظریه‌های جدیدی در روابط بین‌الملل به وجود آمد، که دیدگاه‌های سنتی را تحت تأثیر قرار داد. طرفداران نظریه‌های همگرایی و ارتباطات از فرضیات واقع‌گرایان در خصوص سرشت ستیزه‌آمیز انسان‌ها و روابط بین‌الملل جدا شدند. آن‌ها جنگ و ستیز را به عنوان محور و اساس فعالیت‌های انسان‌ها و نظام بین‌الملل مردود دانستند. در این زمینه، نظریات کارل دوپیچ در مورد روابط متقابل جوامع سیاسی قابل توجه است. گذشته از رهیافت سبیرتسکی دوپیچ و همکارانش، نظریه‌های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی (۷) تحلیل‌های جدیدی از روابط واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل مطرح کرد. از دهه ۱۹۶۰، هواداران نظریه‌های همگرایی چهارچوب‌های جدیدی را برای تحلیل روابط بین‌الملل ارائه کردند. در نظریه‌های کارکردگرایی، فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی - فنی جوامع انسانی مورد توجه قرار گرفت و اساس توجه آن‌ها بر این گونه از کنش‌های انسانی واقع شد. از این دیدگاه، گسترش همکاری‌های بین‌المللی در عرصه‌های اصولاً غیرسیاسی، شرط ضروری و اساسی برای حل دشواری‌های سیاسی و کاهش تنش و کشمکش در میان کشورها تلقی شد. تز اصلی این نظریه‌ها، عدم کفایت روزافزون دولت‌ها برای حل مسایل و مشکلات جامعه انسانی است؛ زیرا نیازهای انسان فراتر از مرزهای سرزمین کشورهای ملی (۸) توسعه پیدا کرده است. به نظر هواداران نظریه‌های کارکردی، نظام دولت‌های ملی، سلسله‌ی از تقسیمات عمودی را بر جامعه جهانی تحمیل کرده که وحدت جهانی را مورد تحدید قرار داده است. از این منظر، جهان به بخش‌های منفک و بریده از یکدیگر تقسیم شده که از حل مسایل و مشکلات جامعه بشری ناتوان هستند.

کارکردگرایان

نظریه‌های کارکردگرایان بر پایه سه فرضیه اصلی قرار گرفته که عبارت‌اند از:

۱- جنگ نه از سرشت انسان است و نه

بخش نخست

در رابطه با جنس مخالف درایت به خرج دهید!

داکتر پرویز رزاقی

ازدواج تحولی زیبا در زنده‌گی هر فرد است و تغییرات زیادی در روح و روان انسان‌ها پدید می‌آورد. شاید همین تغییرات، مهیج بودن آن و میل به داشتن شریک زنده‌گی و پدر یا مادر شدن است که زن و مرد را وادار می‌دارد برای یافتن جفت مناسب برنامه‌ریزی و اقدام کنند. یکی از این اقدام‌ها، کیفیت و نوع آشنایی با جنس مخالف قبل از ازدواج است، اما در کمال تأسف این روابط همیشه عاری از نقص نیستند و ممکن است به ازدواج ختم نشوند. چه بسا زمان زیادی برای جذب جنس مخالف صرف شود بدون این‌که نتیجه‌ی به دست آید. در این موارد برای دختر یا پسر جز افسوس و ندامت چیزی نمی‌ماند. حال پرسش این است چه کسانی گول می‌خورند و چه کسانی گول می‌زنند، و چه‌گونه می‌توان از حسن نیت طرف مقابل مطمئن شد؟ گاهی روابط بین پسرها و دخترها در جامعه ما، چندان مناسب و دل‌چسب نیست. خیلی وقت‌ها روابط با هیجان‌های زودگذر و بدون این‌که دختر و پسر به بلوغ فکری رسیده باشند و معیارها را بشناسند، آغاز می‌شود. انتخاب‌ها بسیار سطحی و ساده است. آن‌ها راحت طرف مقابل را می‌پذیرند و بدون دقت کافی آن‌قدر به رابطه کاملاً اشتباه و پُر از کاستی ادامه می‌دهند که وابسته‌گی ایجاد می‌شود. در نهایت هم با قطع رابطه، هزینه‌های گزافی از قبیل از دست دادن زمان گران‌بهای شان پرداخت می‌کنند.



به چه دلیلی رابطه را شروع می‌کنند؟

برخی دختران و پسران از ابتدای امر قصد ازدواج ندارند و فقط به چند دلیل رابطه را شروع می‌کنند:

- ۱- کسب تجربه: این دختران و پسران قصد دارند که از رابطه با جنس مخالف تجربه‌ی به‌دست بیاورند و از این تجربه لذت ببرند. آن‌ها در واقع با وارد کردن جنس مخالف به این بازی روانی، به اهداف ذهنی خود می‌رسند.
- ۲- پُر کردن وقت: برخی از همان ابتدا هیچ میلی به ازدواج ندارند و فقط می‌خواهند فردی از جنس مخالف کنار خود داشته باشند تا با او وقت‌گذرانی کنند.
- ۳- نداشتن توان تصمیم‌گیری: ممکن است افرادی که قدرت تصمیم‌گیری ندارند، دوست داشته باشند زنده‌گی مشترک تشکیل دهند ولی به دلیل مرد بودن نمی‌توانند همسری انتخاب کنند.
- ۴- ضربه خوردن از جنس مخالف: پسران و دخترانی که به دلایل گوناگون مثل بی‌وفایی طرف مقابل از جنس مخالف بی‌زار شده‌اند، ممکن است به دلیل خشم درونی، قید ازدواج را بزنند و فقط به قصد انتقام‌گیری وارد رابطه‌های آتی شوند.
- ۵- نقش بازی کردن: خیلی از افراد خوب نقش بازی می‌کنند، کلمات زیبایی به کار می‌برند و طرف مخالف را مدت‌های مدید در رابطه‌ی ساخته‌گی و پُر از تزویر نگه می‌دارند. شناخت این گروه کمی دشوار است. آن‌ها در جنس مخالف وابسته‌گی ایجاد می‌کنند و با قطع رابطه، باعث آشفته‌گی روانی او می‌شوند. این آسیب روانی جدی، گاهی حتا مسیر زنده‌گی طرف مقابل را تغییر می‌دهد.

یک طرح همگرایی. هرچه سطح توسعه واحدها نزدیک‌تر باشد، امکان همگرایی تجاری منطقه‌ی بالاتر است. حجم اقتصادهای ملی نیز با تولید ناخالص ملی GNP سنجیده می‌شود. ۲- تکمیل‌کننده‌گی ارزش‌های نخبه‌گان (۱۱) و همفکری و نزدیک بودن دیدگاه‌های نخبگان، باید در واحدهای همگرا بررسی شود. هرچه میزان آن بالاتر باشد، احتمال حرکت پیوسته به سوی همگرایی منطقه‌ی بیشتر است. ۳- کثرت‌گرایی: ضعف یا قوت گروه‌های ذی‌نفع کارکردی که در اروپا نقش مهمی را ایفا کردند، در روند همگرایی بسیار مؤثر است. ۴- ظرفیت کشورهای عضو برای سازگاری و انطباق. هرچه ثبات داخلی و توانایی تصمیم‌گیرنده‌گان اصلی در پاسخ‌گویی به تقاضای داخلی واحدهای سیاسی خود بیشتر باشد، توانایی آن‌ها برای شرکت فعال در یک واحد همگرایی بزرگتر بیشتر است. حکومت‌های کشورهای کم‌توسعه‌یافته عموماً در این زمینه دارای مشکل هستند. بی‌ثباتی داخلی ظرفیت همگرایی را کاهش می‌دهد. (۵۱) نای در تسریع مدل خود سه شرط ادراکی را نیز مطرح می‌کند:

- ۱- ادراک برابری در توسعه منافع و مزایا. همگرایی اقتصادی تنها سیاست برای همکاری نیست، بلکه شامل سیاست‌های رقابتی نیز هست. این همکاری را می‌توان با مشارکت در برنامه‌های گوناگون تقویت کرد، هرچند رقابت سنتی کشورها و گرایش‌های رهبران آن‌ها بر این روند تأثیرگذار است.
- ۲- ادراک اجبار و ضرورت خارجی. این امر در تصمیم‌گیرنده‌گان واحدهای منطقه‌ی و روند همگرایی تأثیرگذار است. ادراک خطر جدی از سوی همسایه‌گان بزرگ‌تر، احساس از دست دادن موقعیت در اثر تغییرات در نظام بین‌الملل در این زمینه قابل طرح می‌باشد.
- ۳- احساس وجود هزینه‌های اندک. حصول توافق اولیه در شرایط ادراک هزینه پایین مقدورتر است. در کشورهای کم‌توسعه‌یافته اگر برای حل مسایل ناشی از همگرایی کمک خارجی به کار گرفته شود، هزینه‌ها کاهش می‌یابد و روند آن تسریع می‌شود. لذا اهمیت بانک توسعه منطقه‌ی روشن می‌شود.

کی‌برکیگارد و فرااخلاق‌بودن رابطه بشر با خدا

عبدالشیر فکرت بخشی - استاد دانشگاه کابل

بخش نخست

مقدمه

داستان قربانی کردن اسماعیل و یا اسحاق علیهما السلام توسط ابراهیم ع را باید حادثه‌یی بزرگ در تاریخ بشر، به‌ویژه ادیان ابراهیمی به‌شمار آورد و می‌توان آن را روایت مشترکی میان ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام دانست. اهمیت تاریخی، دینی و فرهنگی این حادثه باعث شده است تا شماری از فیلسوفان، به‌ساده‌گی از کنار این روایت رد نشوند و کمابیش به این مسأله عطف توجه کنند. در این میان، برخی اندیشمندان جنبه‌های دینی مسأله را مورد توجه قرار داده و عده‌یی دیگر، بر جنبه‌های اخلاقی و ایمانی قضیه چشم دوخته‌اند که در میان گروه دوم - توجه‌گران بر جنبه‌های اخلاقی و ایمانی قضیه - کی‌برکیگارد را می‌توان به‌حق سرآمد همه فیلسوفان دانست که با ارایه دیدگاهی منسجم و استوار بر پایه‌های محکم فلسفی، صورت جدیدی از این روایت به‌دست داد که تا آن‌زمان پیشینه نداشت. نویسنده این سطور در اولین مواجهه خودم با روی‌کرد فیلسوفان مختلف - از آگوستین تا ژاک دریدا - به روایت دینی - تاریخی حضرت ابراهیم علیه‌السلام، علاقه بسیاری به تحقیق در این مورد پیدا کردم و تلاش ورزیدم تا دیدگاه فلاسفه را پیرامون این موضوع بدانم که در نهایت، دیدگاه کی‌برکیگارد دانمارکی توجه‌ام را بیشتر از دیگران به‌خود جلب کرد و آن را منسجم‌تر و پایه‌یی‌تر از هر دیدگاه دیگری یافتم. اما بعد از دقت و تأمل در آن، پرسش‌هایی برایم خلق شد که نهایتاً به نویسش این مقاله منتهی گشت.

در این نوشتار که ترکیب آن روی نظریه کی‌برکیگارد دانمارکی در باب قربانی کردن اسماعیل و یا اسحاق علیهما السلام توسط ابراهیم ع است، تلاش صورت گرفته است تا ابتدا مسأله به‌صورت مختصر و موجز طرح، سپس نقدهای وارده بر آن شماره‌وار و مفصل بیان شود؛ ولی در ضمن نقد، تصحیح نظریه کی‌برکیگارد و ارایه دیدگاه راجح نیز از نظر به‌دور نمانده است.

به هر حال، تازه‌بودن این بحث را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین ممیزات این نوشتار - به‌ویژه در افغانستان - به حساب آورد، کما این‌که روی‌کرد نقادانه و دگرواره را نیز می‌توان ممیزه دیگر این نوشتار به‌شمار آورد.

پیشینه موضوع

در رابطه به داستان قربانی اسماعیل یا اسحاق علیهما السلام فیلسوفانی چونان سنت آگوستین، آکویناس (۱۲۲۵-۱۲۷۴م)، کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴م)، سورن کی‌برکیگارد (۱۸۱۳-۱۸۵۵م)، گئورگ ویلهلم فریدریش هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱م)، ایمانوئل لویناس (۱۹۰۶-۱۹۹۵م)، ژان پل سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰م) و دریدا (۱۹۳۰-۲۰۰۴م) داد سخن داده‌اند و حرف و حدیثی در این باب اظهار داشته‌اند. کما این‌که، آگوستین (۳۵۴-۴۳۰م) معتقد است که این نیروی ایمانی ابراهیم ع بود که وی را به کشتن فرزندش واداشته است نه عقل وی. تامس آکویناس (۱۲۲۵-۱۲۷۴م) با اتکا به بُعد دینی این داستان، تلاش ورزیده است تا تفسیری عقل‌گرایانه از آن به‌دست دهد و معتقد است که این داستان، دارای توجیهات دینی و عقلی است.

لویناس (۱۹۰۶-۱۹۹۵م) و دریدا (۱۹۳۰-۲۰۰۴م) نیز تفاسیر متفاوتی از این داستان به‌دست داده‌اند، کما این‌که لویناس با تکیه بر توجیه اخلاقی این کار، سبب نجات اسماعیل ع را همانا چهره مقدس او می‌داند که در آن پیام «قتل مکن» به نظر می‌رسید و این امر در هر چهره‌یی که نظر شود، با زبان حال



قابل دید است. اما دریدا، تفسیری ساختارشکنانه از این داستان ارایه می‌کند و آن این‌که، این عمل ابراهیم ع می‌تواند هم‌زمان اخلاقی و ضد اخلاقی باشد، کما این‌که ابراهیم ع هم تصمیم به قتل می‌گیرد و هم از این تصمیم به فرمان خداوند ج منصرف می‌شود. در این میان، کسانی هم چون کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴م) نیز بی تفاوت نمانده‌اند. وی یک‌چنین کاری را غیرعقلانی پنداشته و با تکیه بر این‌که خداوند ج صدایی ندارد تا شنیده شود، آن را توهم گمان کرده‌اند.

در این میان، تفسیر کی‌برکیگارد از داستان ابراهیم ع دارای صورت‌بندی و انسجام بیشتری است. کما این‌که وی در رساله ترس و لرز خویش به صورت مشروحی به این مسأله پرداخته است و ما نیز مشخصاً روی اندیشه‌های او در این زمینه تمرکز داریم.

موضوع

حضرت ابراهیم ع که بنیان‌گذار مکتب توحید شمرده می‌شود، با تحقق بخشیدن رویای خودش و آماده‌شدن به قربانی یگانه فرزندش در راه خدا، اوج تعلق بشر را به خداوند بازتاب می‌دهد و به تعبیر سورن کی‌برکیگارد (۱۸۱۳-۱۸۵۵م) فیلسوف ایمان‌گرای غرب، این روایت نشان می‌دهد که وابستگی و تعلق بشر با حقیقت غایی فراتر از اخلاق است توضیح این‌که، اخلاق مقتضی آن است که پدر فرزند خودش را دوست بدارد و به هیچ‌قیمتی وی را به قربانگاه نفرستد اما از آن‌جایی که تعلق بشر با خدا بالاتر از اخلاق است، حضرت ابراهیم ع آماده می‌شود تا

آن را در خود ادغام کند، دیگر پیش‌تر نمی‌رود. فرد به مثابه موجودی بی‌واسطه، حساس و دارای نفس، غایتش را در کلی دارد؛ رسالت اخلاقی فرد بیان دایمی خویش در کلی و الغای فردیت خود برای تبدیل به کلی است.

ظاهراً کی‌برکیگارد معتقد به کلیت امر اخلاقی است و اطلاق‌پذیری را وجه عام امر اخلاقی می‌شمارد. از سویی هم، اخلاق در اندیشه کی‌برکیگارد غایت همه چیز است و همه اشیاء، غایتی جز اخلاقی ندارند، اما خود اخلاق، غایتش در خودش است. با این توجیه، وی به خودبسنده‌گی اخلاقی می‌رسد و در این عرصه، متأثر از ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴م) - که مبتکر اخلاق بدون نظر یا غایت بدون غایت است - به نظر می‌رسد. چنان‌که فروغی آورده است:

حاصل این‌که نیکی اخلاقی آن است که شخص در او به نتیجه ننگرد و غایتی در پیش نداشته باشد و تنها از روی تکلیف بکند و برای این‌که قانون یعنی امر کلی را رعایت کرده باشد.

با توجه به عبارات فوق، ظاهراً کی‌برکیگارد و ایمانوئل کانت در باب بی‌غایتی امر اخلاقی هم‌داستان‌اند و هم‌گون‌اندیشی‌شان از ورای نگرش آن دو به امر اخلاقی به‌وضوح دیده می‌شود.

کی‌برکیگارد با این طرز تلقی اخلاقی خود، قربانی فرزند را توسط ابراهیم ع امری فرااخلاقی می‌پندارد که در برابر تعهد به ایمان انجام یافته است. کی‌برکیگارد که ابراهیم ع را شهسوار ایمان می‌خواند، معتقد است که تسلیمی در برابر امر کلی (اخلاق) غایت انسان است، اما این غایت در برابر ایمان به خدا تاب نمی‌آورد و تسلیم امر الهی می‌شود. کی‌برکیگارد دانمارکی ذبح فرزند را توسط ابراهیم ع عمل به‌جزیی - امر دینی - در برابر عمل کلی - امر اخلاقی - می‌بیند.

نقدواره‌هایی بر دیدگاه کی‌برکیگارد

نویسنده این سطور به این باورم که در رویکرد اخلاقی کی‌برکیگارد به داستان ابراهیم ع کاستی‌های درخور تأملی وجود دارد که اینک به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. این‌که خداوند ج ذاتی سرمدی، ابدی، و به تبع آن دارای خواست نامحدود است، تردیدی ندارد اما این‌که این خواست نامحدود منجر به فرااخلاقی‌شدن رابطه انسان با خداوند ج می‌انجامد، محل اشکال است. کما این‌که خداوند ج در این داستان، خواستار انجام کاری فرااخلاقی نشده است و بر فرض فرااخلاقی‌بودن این خواست خداوند ج از ابراهیم ع، در حقیقت حضرت ابراهیم ع با قربانی و یا آماده قربانی‌شدن خود، به تعهد ایمانی خودش با خداوند ج وفا کرده است و تعهد اخلاقی در برابر خلق، با تعهد اخلاقی در برابر خالق جای عوض کرده است و نایست عبور از تعهد اخلاقی در برابر مردم را به منظور انجام تعهد اخلاقی در پیشگاه خداوند ج فراتر رفتن از اخلاق توصیف کرد؛ کما این‌که تعهد انسان در برابر خداوند ج نیز چیزی فراتر از اخلاق نیست و بایست تن‌دادن به قربانی فرزند را در برابر فرمان الهی، گذار از امر الوالی اخلاقی به امر الواتر اخلاقی دانست.

توضیح این‌که انسان در برابر هستی تعهد اخلاقی دارد و این تعهد دارای ارکان ۱- متعهد، ۲- طرف تعهد، و ۳- تعهد است. در این میان، میزان تعهد انسان با توجه به طرف تعهد وی فرق می‌کند و ما نیز تعهد انسان را با توجه به طرف تعهد انسان دسته‌بندی کرده‌ایم. توضیح این‌که اگر انسان را در محوریت این تقسیم‌بندی قرار دهیم، موجودات طرف تعهد انسان، گاه فروتر، گاه مساوی و گاهی هم فراتر از انسان‌اند.

موجودات فروتر از انسان را باید حیوانات، نباتات و جمادات دانست؛ و موجودات مساوی با انسان که در نوعیت انسانی با وی شریک‌اند، سایر انسان‌ها اند، و خداوند ج به یقین - چنان‌که مبرهن است - ذاتی سرمدی، هستی‌بخش و فراتر از انسان می‌باشد که انسان و موجودات فرودست‌تر از انسان، همه و همه از او کسب وجود کرده‌اند.

فراتر = خداوند ج

انسان = انسان

فروترها = حیوانات، نباتات و جمادات

برای توضیح بیشتر باید میان سه نوع تعهد اخلاقی تفکیک قایل شد.

فرزندش را به حکم خداوند ج قربانی کند. کی‌برکیگارد فرااخلاقی‌بودن وابستگی بشر به خدا را در نامحدودبودن خواست الهی می‌بیند کما این‌که، خداوند ج ذاتی سرمدی و نامحدود، و با خواست‌های نامحدود است و بشر بایست در برابر این خواست‌ها کرنش داشته و تسلیم باشد؛ هرچند برآوردن این خواست به بهای پای‌گذاشتن بر اخلاق، و یا هم فراتر رفتن از اخلاق باشد. از سویی هم، هرگاه پای‌بندی به اخلاق را در وابستگی انسان با خدا لحاظ بداریم، معنایش آن است که ما به خواست‌های الهی محدودیت‌های اخلاقی قایل شده‌ایم و این، خلاف نامحدودیت حقیقت غایی است که ما از آن به خدا تعبیر می‌کنیم.

کی‌برکیگارد برای اثبات این مدعا به روایتی دینی - تاریخی استناد می‌کند که هم در کتب مقدس و هم در قرآن کریم آمده است و آن همان داستان قربانی اسماعیل ع یا اسحاق ع توسط ابراهیم ع می‌باشد.

از دیدگاه وی، در این داستان، اخلاق در برابر ایمان به خدا کنار زده شد و حضرت ابراهیم ع با قربانی‌کردن و یا آماده قربانی‌شدن، نهایت تعلقش را به خدا نشان داد و استثنایی در تاریخ آفرید. وی در این زمینه این‌گونه استدلال می‌کند:

امر اخلاقی به‌نفسه کلی است و به مثابه کلی به هرکس اطلاق‌پذیر است، و این از دیدگاهی دیگر بدان معناست که در هر زمان اطلاق‌پذیر است. امر اخلاقی ذاتاً درون‌ماندگار است و غایتی بیرون از خود ندارد، بلکه خود غایت هرچیز بیرون از خویش است، و اگر



داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی:

اصلاحات در نهادهای انتخاباتی از صلاحیت‌های ریاست اجرایی است

لویه جرگه به خاطر تغییر نظام برگزاری شود

رییس اجرایی حکومت وحدت ملی سهم گیری پرشور و شوق شما در انتخابات بیانگر باور راستین شما به مردم سالاری دانسته گفت: «امنیت و استقرار در کشور و شکل‌گیری حکومت وحدت ملی نتیجه قربانی و خودگذری شماست. تا آخرین لحظات برگزاری مراسم تحلیف شما گوش به آواز بودید و من از صبر و استقامت و حوصله‌مندی شما و همه مردم افغانستان تقدیر می‌کنم.»

او تأمین عدالت اجتماعی، تطبیق و حاکمیت قانون، مبارزه با فساد اداری، تأمین امنیت سراسری و تأمین صلح عادلانه و با عزت از اولویت‌های حکومت وحدت ملی بیان داشت.

لویه جرگه به خاطر تعدیل در قانون اساسی

هم‌چنان، داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی افغانستان از تشکیل لویه جرگه به خاطر تعدیل قانون اساسی کشور در آینده نزدیک خبر می‌دهد.

با برگزاری لویه جرگه و تعدیل قانون اساسی افغانستان، احتمال زیاد می‌رود که نظام سیاسی افغانستان از ریاستی به صدارتی تغییر کند.

بربنیاد توافقنامه سیاسی که رییس جمهور و رییس اجرایی افغانستان امضا کرده اند؛ باید حداقل تا دو سال دیگر لویه جرگه‌یی به خاطر تعدیل قانون اساسی برگزار شود و در صورت تغییر نظام، پست اجرایی به نخست‌وزیر تغییر خواهد نمود.

حال داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی کشور از

موارد شدند.

در همین حال، نمایندگان بر برگزاری به موقع انتخابات پارلمانی نیز تأکید ورزیدند.

صدیق احمد عثمانی معاون اول مجلس گفت: «بحث امروز این نیست که ما خواستار تعویق انتخابات پارلمانی باشیم، از همین حالا تأکید می‌کنم، ما خواهان برگزاری انتخابات به وقت و زمانش هستیم، حکومت باید آمادگی داشته باشد.»

این در حالی است که انتخابات ریاست جمهوری نسبت عدم مدیریت درست به بحران کشیده شد

بود که در صورت پیروزی اش در انتخابات، اولین سفرش را به ولایت نا آرام خوست و یا پکتیا انجام می‌دهد. حالا که داکتر عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی در موفق نخست‌وزیر اجرایی است، معلوم نیست که به وعده اش وفا می‌کند یا خیر.

دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری افغانستان اعلام کرده که آقای احمدزی علاوه بر انجام مراسم حج با ولیعهد عربستان سعودی و شماری از مقامات آن کشور در مورد گسترش روابط دو جانبه، دیدار و گفتگو خواهد کرد.

رییس جمهور افغانستان را جنرال عبدالرشید دوستم، معاون اول، محمد خان، معاون اول رئیس اجرائیه،

اهمیت حکومت وحدت ملی؛

اصلاحات در نظام سیاسی یا تقسیم قدرت؟



محمد اکرام اندیشمند

انتقال مسالمت‌آمیز قدرت (۷ میزان ۱۳۹۳)، پس از توافق سیاسی بر سر تشکیل حکومت وحدت ملی یا در واقع حکومت مشترک میان اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله میسر و عملی شد. اما پرسش بسیار مهم به این نکته برمی‌گردد که کدام‌یک از این دو موضوع، مستلزم و متضمن موفقیت پایدار در جهت تحقق این توافق است و رمز توانایی و پیروزی حکومت وحدت ملی را تشکیل می‌دهد: تقسیم آرام قدرت و رضایت طرفین، به‌خصوص رضایت تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری دکتور عبدالله از کرسی‌های به‌دست آمده در این تقسیم، و یا انجام اصلاحات در دولت و نظام سیاسی افغانستان؟

شاید برای برخی‌ها، دسترسی به قدرت سیاسی و تقسیم آرام و بدون درد سر کرسی‌های دولتی و یا به قول رییس‌جمهور جدید، توظیف در کرسی‌های دولت، از نشانه‌های مهم در بقای حکومت وحدت ملی و پیروزی در جهت توافقات سیاسی باشد. بروز اختلاف و تشنج بر سر تقسیم و توظیف کرسی‌های دولتی که ممکن است پایه‌های این دولت را تا مرز فروافتادن، ضعیف و لرزان بسازد، دیدگاه تقسیم آرام قدرت را در پیروزی و شکست حکومت وحدت ملی، موجه نشان می‌دهد.

اما رمز و راز اصلی پیروزی و شکست توافقات سیاسی و بقای حکومت وحدت ملی، نه در تقسیم قدرت، بلکه در تحقق اصلاحات نظام سیاسی از راه اصلاح و تعدیل قانون اساسی و اصلاح نظام انتخاباتی افغانستان نهفته است. این اصلی‌ترین نکته پیروزی برای هر دو طرف و به‌خصوص برای تیم اصلاحات و همگرایی است که اصلاح و تعدیل نظام سیاسی را بخشی از اهداف و منشور انتخاباتی خود ساخته بود.

بدون تردید، توافق بر سر تقرر و توظیف افراد در نهادها و ارگانهای دولتی که در واقع همان تقسیم قدرت میان طرفین خواهد بود، اهمیت قابل ملاحظه در ثبات سیاسی و گسترش حاکمیت دولتی دارد. ولیکن فراموش نباید کرد که این توافق، متضمن ثبات درازمدت و پایدار سیاسی توأم با توسعه سیاسی نیست.

اگر به توافق سیاسی و تشکیل دولت وحدت ملی میان رییس‌جمهور و رییس اجرایی از منظر ثبات پایدار سیاسی نگاه شود، این ثبات بدون انجام اصلاحات عمیق و گسترده سیاسی محقق نمی‌شود.

افغانستان زمانی به ثبات پایدار سیاسی می‌رسد که بستر توسعه پایدار سیاسی شکل بگیرد و دولت به عنوان نهاد اصلی و مسوول، وجبیه خود را در شکل‌دهی و ایجاد این بستر به‌سر برساند. اما این بستر چه‌گونه ایجاد می‌شود؟

وجبیه دولت وحدت ملی در شکل‌دهی آن چیست؟

انجام اصلاحات در تمام سطوح نظام سیاسی افغانستان، از اصلاح و تعدیل در قانون اساسی تا اصلاح نظام انتخاباتی، ایجاد اصلاحات در ساختار نهادها و ارگان‌های دولتی و حکومتی در جهت ایجاد یک دولت سالم، پاسخ‌گو و قانون‌مدار از وجایب اصلی حکومت وحدت ملی در پاسخ به پرسش مذکور است. اگر حکومت وحدت ملی، به‌خصوص تیم اصلاحات و همگرایی به ریاست دکتور عبدالله در تفاهم و همکاری مشترک با رییس‌جمهور غنی و تیم تحول و تداوم، موفق به انجام چنین اصلاحاتی در نظام سیاسی شود، در واقع این دولت و رهبران آن‌ها وجایب خود را در جهت ثبات پایدار سیاسی و توسعه پایدار در سایر عرصه‌های حیات اقتصادی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به‌سر می‌رسانند.

هرگونه توافق و تقسیم قدرت بر سر کرسی‌های دولتی بدون انجام اصلاحات مستلزم و متضمن تحول و ثبات درازمدت و پایدار سیاسی، یک توافق ناکام و بی‌سرنجام خواهد بود. چنین تقسیم و ترکه آرام قدرت، مسکن و آرام‌بخشی برای ثبات سیاسی در کوتاه‌مدت است.

تدویر این لویه جرگه در آینده نزدیک خبر می‌دهد.

او در ادامه افزود: «نکته دوم تشکیل لویه جرگه است که انشالله بر اساس قانون اساسی افغانستان به خاطر تعدیل قانون اساسی برگزار می‌گردد.»

رییس اجرایی کشور در مورد این که چه تعدیلاتی در قانون اساسی در لویه جرگه به وجود می‌آید چیزی نگفت.

بر بنیاد توافقنامه‌یی که میان هر دو نامزد ریاست جمهوری امضا شده است، در این لویه جرگه با تعدیل قانون اساسی نظام سیاسی افغانستان ریاستی به صدارتی و پست اجرایی به نخست‌وزیر اجرایی تغییر خواهد کرد.

در این نشست محمد محقق معاون دوم ریاست اجرایی با ابراز سپاس از حضور مردم در انتخابات گفت: سهم شما در انتخابات ستودنی است و از حضور سربلند شما مردان و زنان پُر افتخار تشکر می‌کنم.

آقای محقق از مردم خواست با حمایت از حکومت وحدت ملی و برنامه‌های حکومت جدید در راستای موفقیت حکومت گام بردارند.

سخنرانان در این نشست تأکید کردند که حکومت وحدت ملی از تمام مردم افغانستان نمایندگی می‌کند آنان ابراز امیدواری نمودند که به مشکلات واقعی مردم به عنوان یک حکومت خدمت‌گذار رسیدگی نماید. سخنرانان به اصل شایسته سالاری و توجه به حل مشکلات مردم این حوزه تأکید کردند.

و حدود ۶ ماه طول کشید و آگاهان این انتخابات را طولانی‌ترین و بد نام‌ترین انتخابات در سطح جهان خواندند.

همچنین انتخابات گذشته سرنوشت سیاسی کشور را رقم نزد و دو نامزد بر اساس یک تفاهم سیاسی بر مبنای تقسیم مساویانه قدرت، حکومت وحدت ملی تشکیل دادند.

هرچند، اصلاح نظام انتخاباتی از توافقات سیاسی حکومت وحدت ملی است؛ اما تا هنوز گام‌های عملی در زمینه برداشته نشده است.

احمد ضیا مسعود، نماینده فوق العاده رئیس‌جمهور در امور اصلاحات و حکومت‌داری خوب، محمد حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی، ضرار احمد عثمانی، سرپرست وزارت امور خارجه، مولوی قیام الدین کشف، رئیس شورای سراسری علمایی افغانستان، معصوم ستانکزی، رئیس دبیرخانه شورای عالی صلح و نظیف الله سالارزی، سخنگوی رئیس‌جمهور همراهی می‌کنند.

قرار است آقای احمدزی بعد از این سفر، طی هفته جاری از کشور چین نیز دیدار کند. با رفتن رییس‌جمهور و معاون اولش به سفر، معاون دوم به عنوان سرپرست ریاست جمهوری ایفای وظیفه می‌کند.

کشف و قید ۶۵۰ کیلوگرام...

با این مقدار مخدر بازداشت شده‌اند.

بر بنیاد خبرنامه، دو تن در پیوند به این پرونده بازداشت شده‌اند و بررسی‌های بیش‌تر از آنان جریان دارد.

در خبرنامه هم‌چنان آمده‌است که پنج‌روز پیش نیز مقدار ۱۰ کیلوگرام هیرویین را کارمندان مدیریت مبارزه علیه مواد مخدر در بدخشان کشف و یک‌تن را در پیوند به آن بازداشت کرده‌اند.

این در حالی‌ست که چندروز پیش تازه‌ترین بررسی از افزایش کشت مواد مخدر در افغانستان خبر داد و این کشور اکنون یکی از کشورهای رده اول جهان در کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر به شمار می‌آید.

کشف و قید ۶۵۰ کیلوگرام...

موافقنامه امنیتی میان افغانستان و آمریکا انجام می‌شود.

بر اساس این موافقتنامه آمریکا پس از سال ۲۰۱۵ نمی‌تواند هیچ بازداشتگاهی در خاک افغانستان داشته باشد و بنا بر این زندانیان غیر افغان را به آمریکا منتقل خواهند کرد.

غلام فاروق بارکزی، رییس بازداشتگاه بگرام به رسانه‌ها گفته است که دولت افغانستان تنها مسوولیت زندانیان افغان را در این بازداشتگاه دارند و زندانیان خارجی در کنترل امریکایی‌ها است.

او گفت: «ما از این زندانی آگاهی نداریم. کار خود امریکایی‌ها است که با او چی می‌کنند.»

اما عبدالشکور دادرس، عضو کمیته بررسی پرونده‌های زندانیان بگرام می‌گوید آمریکا حق ندارد کسانی را که در افغانستان مرتکب جرم شده‌اند، برای محاکمه به بیرون از این کشور منتقل کند.

او گفت: «هرکسی که در افغانستان مرتکب جرمی می‌شود تنها ادارات عدلی و قضایی افغانستان مسوولیت و صلاحیت رسیدگی به پرونده او را دارد.»

داکتر عبدالله عبدالله رییس اجراییه حکومت وحدت ملی دیروز در نشستی با حضور بزرگان ولایت پروان، کاپیسا و کوهدامن گفت که اصلاحات در نهادهای انتخاباتی از صلاحیت‌های ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی می‌باشد.

رییس اجرایی همچنان گفت که او و سایر اعضای تیم انتخاباتی او تعهداتی را که در دوران انتخابات در قبال مردم داشته‌اند را فراموش نکرده‌اند.

داکتر عبدالله عبدالله خاطر نشان ساخت: «یکی از وعده‌های ما این بود که نظام انتخاباتی افغانستان باید اصلاح شود، در نتیجه انتخابات نباید افغانستان به سردرگمی به طرف بحران و یا خدای ناخواسته به طرف پرت‌گاه نزدیک شود؛ بلکه باید هر مرحله انتخابات باور مردم را به نظام انتخاباتی باید قوی‌تر بسازد و یک قدم باشد در راه پیشرفت مردم به طرف آینده بهتر.»

رییس اجرایی افزود: «این تعهد را داریم و این مسوولیت را مستقیم ریاست اجرایی به عهده دارد انشالله در اولین فرصت، کمیونی که در موافقتنامه سیاسی پیش‌بینی شده ایجاد می‌شود و اصلاحات در نظام انتخاباتی، در ساختار انتخاباتی و در تمام جریان روند انتخابات و قانون انتخابات به میان می‌آید.»

داکتر عبدالله بیان داشت که تغییر در نظام انتخاباتی افغانستان زمینه را برای ثبات و سلامت کشور متسحکم‌تر نموده و بر اساس آن اصل یک فرد یک رای به شکل واقعی اش در انتخابات بعدی عملی خواهد شد.

با این کمیسیون‌ها بر گزاری...

نمی‌توانند قانون انتخابات را تعدیل کنند.

در جلسه امروز؛ اختلاف نظر بر سر اینکه هم اکنون مجلس در سال آخر کاری خود قرار دارد یا خیر، نیز وجود داشت.

نمایندگان مجلس، برکناری تمامی کارمندان کمیسیون‌های انتخاباتی، محاکمه مسوولان این کمیسیون‌ها و توزیع تذکره های برقی را از موضوعات مهم برای اعتمادسازی در انتخابات آینده پارلمانی عنوان کردند و خواستار تحقق این

غنی عمره رفت عبدالله...

سفر اشرف غنی به چین را خلاف وعده او در زمان پیکارهای انتخاباتی دانستند و از آن انتقاد کرده بودند. این انتقاد سبب شد که اشرف غنی احمدزی برنامه سفر عمره را قبل از سفر چین به گونه عاجل واد برنامه اش کند.

این اولین سفر اشرف غنی احمدزی بعد از انتخاب به عنوان رییس‌جمهور افغانستان و رییس دولت وحدت ملی است. او در مبارزات انتخاباتی خود گفته بود که در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در اولین سفر به حج عمره خواهد رفت. در همین حال داکتر عبدالله عبدالله نیز وعده کرده

کشف و قید ۶۵۰ کیلوگرام...

اریک حمیدلان نام دارد. او سرباز پیشین ارتش سرخ بوده که با اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق به افغانستان آمد اما در افغانستان ماند و به شوروی سابق بازنگشت. عده‌یی از سربازان سابق شوروی هم اکنون در افغانستان حضور دارند و زنده گی می‌کنند و صاحب خانه و کاشانه‌یی‌اند.

این سرباز سابق ارتش روسیه، در سال ۲۰۰۹ وقتی که با شماری از جنگجویان گروه طالبان به یک پاسگاه مشترک نیروهای افغان و آمریکا در ولایت شرقی خوست حمله کرده بود، بازداشت شد.

در اعلامیه که توسط شورای امنیت آمریکا روز گذشته منشتر شده، آمده است که این شهروند روسیه در حال حاضر در زندان بگرام در شمال کابل زندانی است و قرار است که برای محاکمه به آمریکا منتقل شود.

مقامات امریکایی اعلام کرده‌اند که این کار براساس

هیأت رسانه‌ی افغانستان از روسیه برگشت



نظری پربانی

گروهی از مسولان رسانه‌های افغانستان که به مسکو و تاتارستان سفر یک‌هفته‌ی داشتند، روز پنج‌شنبه گذشته به کابل برگشتند.

این گروه، با مقامات دولتی و مسولان رسانه‌ها در مسکو و جمهوری تاتارستان دیدار و گفت‌وگو کردند.

این خبرنگاران که به تاریخ ۲۳ میزان، کابل را به قصد دبی ترک و از آن‌جا وارد مسکو و سپس تاتارستان روسیه شده بودند، به روز پنج‌شنبه یکم عقرب، به کابل برگشتند.

سفر این تیم به دعوت مرکز مطالعات افغانستان و همکاری ریانونوستی از رسانه‌های معروف روسیه و وزارت رسانه‌های تاتارستان صورت گرفته بود.

به گفته عمر نثار، رییس مرکز مطالعات افغانستان در مسکو، این چهارمین سفر گروهی خبرنگاران و مسولین رسانه‌های افغانستان به روسیه، طی سه سال گذشته بوده است.

خبرنگاران و مسولین رسانه‌های کشور، در این سفر، از شهرهای مسکو و کازان/قازان پایتخت تاتارستان دیدن کردند.

مسکو

گروه خبرنگاران افغانستانی، پس از ورود به مسکو، سه روز با مسولین و مقامات دولتی روسیه دیدار کردند و درباره همکاری‌های رسانه‌ی افغانستان - روسیه و دیگر مسایل افغانستان به بحث نشستند.

گروه خبرنگاران افغانستانی در دیدار با مسولین رسانه‌های روسیه، روابط رسانه‌ی و همچنین چه‌گونه‌گی تبادل تجارب را مورد بحث قرار دادند.

تیم خبرنگاران افغانستان پس از سه روز دید و بازدید از مسکو، وارد کازان/قازان، پایتخت جمهوری تاتارستان روسیه شدند.

در ترکیب این هیأت، فیصل کریمی استاد دانشگاه هرات و معاون مرکز خبرنگاران افغانستان به عنوان رییس هیأت، فهیم دشتی رییس اجرایی اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان، نظری پربانی مدیر مسوول روزنامه ماندگار، دانش کروخیل رییس خبرگزاری پژواک، مجیب خلوتگر رییس نهاد حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان (نی)، نجیب پیکان رییس تلویزیون آرزو، محمد جواد محسنی رییس تلویزیون تمدن، نجیب امیری مدیر مسوول رادیو سلام وطندار، صدیق خلیق، مدیر تلویزیون هیواد - قندهار، عبدالخلیل مینوی رییس آژانس اطلاعاتی باختر، خیرالله آزاد مدیر خبر و برنامه‌های سیاسی تلویزیون نور حضور داشتند.

در این سفر، برنامه‌های عملی و تجربی؛ و هم سیاحتی و فرهنگی در نظر گرفته شده بود.

برنامه‌ها:

- ۱- دیدار از خبرگزاری ریانونوستی روسیه در مسکو و گفت‌وگو با مقام‌های آن
- ۲- دیدار از چند کانال شبکه خبری بین‌المللی روسیه امروز و تبادل تجربه‌ها
- ۳- دیدار و گفت‌وگو با ویکتور ایوانوف رییس اداره فدرال کنترل مواد مخدر روسیه
- ۴- گردش در شهر مسکو و بازدید از میدان سرخ روسیه، کاخ کرملین و برج مسکو
- ۵- سفر به قازان پایتخت جمهوری تاتارستان و گردش در شهر قازان، کرملین، جزیره سازووسک و مسجد قل شریف
- ۶- دیدن از وزارت مطبوعات تاتارستان و گفت‌وگو با وزیر و برخی از مسولان رسانه‌ی تاتارستان
- ۷- بازدید از بخش‌های رسانه‌های تات؛ از رادیو تلویزیون تاتارستان و مجله‌ها
- ۸- دیدار از تلویزیون NHB قازان و چند شبکه محلی دیگر و گفت‌وگو با مسولان آن‌ها
- ۹- بازدید از دانشگاه فدرال قازان، دانشکده ژورنالیزم، تلویزیون دانشگاه و گفت‌وگو در مورد همکاری‌های علمی

قسمت میانی رود ولگا قرار دارد، از شمال به جمهوری ماری و اودمورت، از شرق به جمهوری باشقیرستان، از غرب به جمهوری چوواش و از جنوب به ولایت‌های اولیانوفسک، سامارا و اورنبورگ محدود است.

آب و هوای تاتارستان معتدل قاره‌ی است و دارای زمستان‌های طولانی و سخت، و تابستان گرم می‌باشد. در چند روزی که در تاتارستان حضور داشتیم، هوا بسیار سرد و برفی بود.

این جمهوری در یک دهه و اندی گذشته رشد قابل توجهی در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی یافته است و به لحاظ اقتصادی، یکی از توسعه‌یافته‌ترین مناطق فدراسیون روسیه به شمار می‌رود و پس از سامارا دومین منطقه صنعتی روسیه محسوب می‌شود.

مسولان در تاتارستان به ما گفتند که تاتارستان به خودکفایی رسیده است و از سطح خوب اقتصادی برخوردار است. حالا تاتارستان یکی از بزرگ‌ترین مراکز صنعتی روسیه است. صنایع مهم تاتارستان عبارتند از: هواپیماسازی، هلیکوپترسازی، موتورسازی، چوب، صنایع سبک، ماشین‌سازی و فولاد، صنایع پزشکی و داروسازی، صنعت نفت، پتروشیمی، صنایع شیمیایی، صنایع غذایی، تولید ابزار، الکترونیک، رادیو الکترونیک، اپتیکال و کشتی‌سازی. از مجموع حجم تولید ناخالص این جمهوری صنایع ماشین‌سازی ۴۹/۷٪، تجارت ۱۰/۶٪، ساختمان‌سازی ۹/۹٪، کشاورزی ۷/۹٪، حمل و نقل و ارتباطات ۷٪ و سایر بخش‌ها ۱۴/۹٪ را به خود اختصاص داده است.

در بازدیدی که از برخی مکان‌ها و مراکز اقتصادی و تولیدی تاتارستان در قازان داشتیم و فیلم‌هایی که به نمایش گذاشته شده بودند، دریافتیم که این جمهوری به بلندترین سطح اقتصادی و تولیدی و خودکفایی خود رسیده است و هنوز هم در حال رشد است.

ناگفته نماند که از کشورهای اسلامی تنها، ایران و ترکیه در تاتارستان نمایندگی دارند و شهر قازان لقب پایتخت ترک‌های جهان را نیز کسب کرده است. در دانشگاه‌های تاتارستان دانشجویانی از کشورهای دیگر از جمله افغانستان نیز دیده می‌شوند.

تاتارستان ۷۸۳۳/۲ کیلومتر مربع مساحت دارد و مساحت کازان/قازان ۲۵۰/۳ کیلومتر مربع است. مسولان در تاتارستان به ما گفتند که این جمهوری حدود ۸/۴ میلیون نفر جمعیت دارد؛ یعنی چیزی کمتر از نفوس کنونی کابل.

تنوع ملیت‌های مختلف ساکن در این جمهوری به خصوص شهر کازان/قازان، تا آن‌جاست که بیش از ۱۰۰ ملیت متفاوت در آن زنده‌گی می‌کنند.

همچنین این شهر موطن ۲۲ جامعه ملی - فرهنگی است.

دانشگاه‌های قدیمی و مجسمه‌های شاعران و شخصیت‌های علمی و تاریخی در این شهر نشان می‌دهد که کازان/قازان، قطب علمی در کشور روسیه و مرکز بزرگ علوم و فرهنگ جمهوری تاتارستان است. مردم قازان تا پیش از تسلط بلشویک‌ها بر سرزمین‌شان، به خط عربی و به زبان تاتاری می‌نوشتند و در مکتب‌های دینی در هر کوی و برزنی به آموزش قرآن و علوم دینی پرداخته می‌شد. هنوز هم می‌توان آثاری از آن دوران را در موزیم ملی کازان / قازان مشاهده کرد. گفته می‌شود که فارسی‌زبان‌ها نیز در این سرزمین زنده‌گی می‌کرده‌اند.

اصطلاح تاتار به همه مسلمانان ترک‌تبار ساکن در روسیه اروپایی اطلاق می‌شود. تاتارها یکی از بزرگ‌ترین قوم‌های ترک‌زبان می‌باشند که در سراسر روسیه و برخی دیگر از جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز پراکنده‌اند. قوم تاتار زمانی به مردم ساکن حاشیه رود ولگا و شبه جزیره کریمه اطلاق می‌شد. نخستین دولتی که در منطقه تاتارستان کنونی تأسیس گردید، بلغاریای ولگا نام داشت که در فواصل قرون ۷ تا ۱۳ میلادی بر این سرزمین و برخی مناطق پیرامونی آن حکم‌روایی می‌کرد. این دولت مناسبات تجاری خود را بر حوزه‌های وسیعی از اوراسیا، خاورمیانه و منطقه بالتیک گسترانیده بود.

اسلام نخستین‌بار توسط مبلغین مسلمان که در سال ۹۹۲ میلادی از بغداد گسیل شده بودند، به مردمان این منطقه معرفی گردید. با هجوم ارتش مغول در اواخر دهه ۱۲۳۰ میلادی، دولت بلغاریا ولگا منقرض گردید و متعاقب آن با تجزیه حکومت طلایی ترکان و تاتارها، مردم تاتار در مناطق قازان، آستارخان، سبیری، کاسیمو، کریمه، مشچری و ناگای استپس پراکنده شدند. اما مجدداً در دهه ۱۴۳۰ میلادی این منطقه به عنوان پایگاه خانان قازان استقلال خویش را بازیافت و شهر قازان به عنوان پایتخت این منطقه انتخاب گردید.

در دهه ۱۵۵۰ میلادی نیروهای ایوان مخوف، تزار روسیه منطقه تاتارستان را به تسخیر خویش درآوردند و تعدادی از اقوام تاتار از روی اجبار به دین مسیحیت گرویدند و کلیسای مسیحی نیز در قازان تأسیس گردید و بخش قابل توجهی از تاتارها هم برای فرار از فشارهای قومی و مذهبی دولت تزاری، راه مهاجرت را به سوی امتداد اورال پیش گرفتند. در قرن ۱۶ میلادی تقریباً تمامی مساجد این منطقه تخریب شد، اما مجدداً در فواصل سال‌های ۱۷۶۶ تا ۱۷۷۰ میلادی نخستین مسجد در دوره کاترین دوم در این جمهوری ساخته شد. حتا مهاجرت تاتارها در قرن نوزدهم نیز تداوم یافت و در این موج جدید مهاجرت بخشی از آن‌ها راهی غرب سبیری و آسیای مرکزی شدند. در قرن نوزدهم میلادی تاتارستان به مرکز تجلد تبدیل شد و روابط دوستانه‌ی با دیگر مردمان روسیه در پیش گرفته شد. اما با انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷، مذاهب به شدت سرکوب شدند و دین اسلام نیز از این امر مستثنا نبود.

در طی جنگ‌های داخلی که در فواصل سال‌های ۱۹۱۸ تا



۱۹۲۰ ادامه داشت، ملی‌گرایان تاتاری تلاش کردند یک جمهوری مستقل (تحت نام دولت ایدل اورال) تأسیس کنند. این جمهوری برای مدتی بس کوتاه برپا شد، اما توسط بلشویک‌ها ساقط گردید و جمهوری خودمختار سوسیالیستی شوروی جای آن را گرفت. لذا دور جدید مهاجرت تاتارها در دوران شوروی در سال ۱۹۲۱ میلادی و به دنبال آن بروز قحطی، آغاز گردید. آخرین موج مهاجرت تاتارها هم در سال ۱۹۵۴ میلادی به سرزمین بکر قزاقستان به وقوع پیوست.

در حال حاضر تاتارها نه تنها در جمهوری تاتارستان، بلکه در سایر جمهوری‌ها و مناطق ولگا- اورال و خصوصاً مسکو سکونت دارند. همچنین تاتارها در شرق و غرب سبیری، خاور دور، آسیای مرکزی، قزاقستان، اوکراین و جمهوری‌های بالتیک و حتا در افغانستان و ایران زنده‌گی می‌کنند. مسولان در تاتارستان گفتند که این جمهوری با همه تاتارهای جهان رابطه دارد. هیأت ما نیز پیشنهاد کرد که رسانه‌های تاتارستان از وضعیت تاتارهای افغانستان گزارش‌هایی تهیه کنند تا مردم تاتارستان از حال روز تاتارهای افغانستان با خبر شوند.

به لحاظ قدمت، این شهر دارای تاریخی بیش از ۱۰۰۰ سال است.

قازان از زمان‌های دور مهد علم و هنر بوده و برخی از سیاسیون، دانشمندان، هنرمندان و ادبای روسیه از جمله لیلین، ماکسیم گورکی و تولستوی ... در این شهر آموزش دیده و بیشترشان زنده‌گی می‌کرده‌اند. مسلمانان در این جمهوری از استقلال و آزادی کامل مذهبی برخوردارند و قدیمی‌ترین دانشگاه اسلامی روسیه که از تأسیس آن ۱۵ سال می‌گذرد نیز در شهر کازان یا قازان است. بیشتر ۴۷ درصد مردم تاتارستان، مسلمان و بقیه مسیحی‌اند.

در هر جایی که یک مسجد با مناره‌های قشنگ و شیدایی‌اش وجود دارد، در چند قدمی آن نیز یک کلیسه با همه زیبایی‌اش ساخته شده است. در یک منطقه می‌بینیم که مسیحیان به کلیسا و مسلمانان به مساجدشان برای انجام عبادت می‌روند. از چندین مناره مسجد صدای اذان را شنیدیم و حداقل وارد یک مسجد شدیم، نماز خواندیم و از یک کلیسیا نیز دیدن کردیم.

Mandegar

اعتصاب زندانیان هرات وارد هفتمین روز خود شد



شماره از زندانیان بازداشتگاه هرات مدعی اند که زندانیان بلاک دوم بازداشتگاه هرات که نزدیک به ۵۰۰ تن می‌رسند به خاطر عدم رسیدگی به پرونده‌های شان از یک هفته به این طرف اعتصاب غذایی کرده‌اند.

برخی از آنان در تماس تلفونی به رسانه‌ها گفتند: تا زمانی که به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود، به اعتصاب شان ادامه خواهند داد.

در همین حال عبدالروف احمدی سخنگوی پولیس هرات با تایید اعتصاب غذایی شماری از زندانیان گفت: بیشتر این زندانیان اعتصاب کننده به جرایم سنگین زندانی اند و خواسته‌های شان نیز خلاف قانون است.

به گفته احمدی در حال حاضر تلاش‌ها برای پایان دادن اعتصاب زندانیان جریان دارد اما این زندانیان هر روز به فکر فرار و اخلاف امنیتی بازداشتگاه هستند.

از سوی دیگر سخنگوی پولیس هرات گفت: در حال حاضر در زندان هرات سلاح سرد وجود دارد و به اساس فرمان رییس جمهور باید هر ۱۵ روز تمام بلاک‌های زندان بازرسی شود اما برخی از این زندانیان اجازه ورود پولیس را نمی‌دهند.

در حال حاضر در زندان هرات ۳۰۰۰ زندانی در حبس به سر می‌برند.

طالب روسی در امریکا محاکمه می‌شود

مقامات امریکایی در نظر دارند تا یک شهروند روسی را که در افغانستان بازداشت شده و زندانی است، برای محاکمه به امریکا منتقل کنند. اما روسیه تا کنون در این خصوص ابراز نظری نکرده است. این مساله با توجه به جنگ سردی که همین اکتون میان امریکا و روسیه آغاز شده است می‌تواند مرتبط باشد و نیز می‌تواند سرانجام پای روسیه را در مناسبات دیپلماتیک وارد این میدان کند. اما این یک احتمال بسیار اندک است. زیرا این سرباز سالهاست که بدون رابطه با مسکو در افغانستان زنده گی می‌کرده است اما این که چگونه این سرباز در میان طالبان و در حال نبرد به چنگ امریکایی‌ها افتاده بود، یک ابهام است.

این زندانی... ادامه صفحه ۶



د خلکو هیلې مه وژنې



عرفان مومند

په اوسنیو ادارو او قوانینو نشي کېدای چې رڼې او شفافي ټاکنې ترسره شي. کابو یو کال وروسته به په هېواد کې پارلماني ټاکنې ترسره کېږي نو اړتیا ده چې له همدا اوس څخه د ملي یووالي حکومت په دې اړه گامونه پورته کړي.

حکومت دا ژمنه هم کړې وه، چې له فساد سره به مبارزه کوي او په ادارو کې به اصلاحات راولي، چې په دې برخه کې هم د نوي حکومت چارې سستې روانې دي. نشي کېدای یوازې په کابل بانک دوسیې او د څو تنو پخوانیو وزیرانو چې دوسیې یې له وخته فیصله شوې وې، بیا ژوندي کول اساسي کارونه وگڼو.

د بې کاري، فقر او نا امنۍ له منځه وړلو لپاره حکومت تر اوسه داسې گام نه دی پورته کړی، چې خلک یې تمه لري. نوی حکومت باید د خپل کار په لومړیو سلو ورځو کې هغه ډول چې ژمنه یې کړې وه، دا چارې ترسره کړي. په داسې حال کې چې ۲۷ ورځې یې تېرېږي، خو لا هم دا حکومت په شعارونو بوخت دی.

افغانستان اوس یوه داسې پړاو ته را رسېدلی، چې خلک یې نور د هغوی له احساساتو او ذهنیتونو سره لوبې کول نشي زغملی. اوس هغوی د ملي یووالي د حکومت له مشرانو نه د دوی کړې ژمنې عملي کېدل غواړي.

ډاکتر اشرف غني احمدزی او ډاکتر عبدالله عبدالله باید دې ټکي ته ښه څیر و اوسي. هېڅ یو باید د بل د تېر ایستلو په فکر کې نه وي او هڅه ونه کړي، چې مقابل لوری لاندې کړي. بلکې دواړه مشران د خپلې کړې موافقتنامې له مخې عمل وکړي. او هڅه وکړي، چې د ملي یووالي حکومت بریا ته ورسوي.

د پخواني حکومت په فاسدو څېرو باور او په حکومت کې په لوړو څوکیو د بیا گومارل به نه یوازې د ملي یووالي حکومت له ناکامۍ سره مخ کړي، د دې حکومت د دواړو مشرانو د بدنمۍ لامل به هم شي. دوی په لومړي گام کې باید هغه چارواکي د خپل ځان له شاو خوا لرې کړي، چې په فساد او اختلاس تورن دي.

یوشمېر دغه ډول کسان چې همدا اوس خلک د دواړو مشرانو ترڅنګ ویني کله کله ورته نهیلي پیدا شي، نو دواړه مشران دې د دې ډول کسانو په ملاتړ هڅه نه کوي، چې د خلکو هیلې په نهیلي بدلې کړي، هغه ډول چې دوی د ښې حکومتولۍ، له فساد سره د مبارزې او د قانون د حاکمیت غږ پورته کړی، په خپلو ژمنو ودرېږي.

دا اوس د ملي یووالي د حکومت په مشرانو پورې اړه لري، چې څومره کولای شي د خلکو باور د ملي یووالي په حکومت له ځانه سره ولري او لایې غښتلی کړي.

د ملي یووالي حکومت جوړېدو ته د خلکو هیلې له دې امله هم وې، چې دغه حکومت به وکولای شي په هېواد کې خلکو ته د رښتینې خدمت جوگه شي. تر اوسه د ملي یووالي د حکومت چارې ښې روانې دي او خلک ترې خوښ دي؛ مگر خلک نور د دې په تمه دي، چې نوی حکومت په بنسټیزو چارو پیل وکړي.

د ملي یووالي د حکومت مشرانو ژمنه کړې وه، چې هدف یې یوازې او یوازې خلکو ته د رښتینې خدمت کول دي. دواړو مشرانو ډاکتر اشرف غني احمدزي او ډاکتر عبدالله عبدالله خلکو ته د رښتینې خدمت لپاره په ټاکنیزو سیالیو کې خپلې سیاسي، اقتصادي او ټولنیزې طرحې هم وړاندې کړې وې. دوی د ملي یووالي د حکومت د رامنځته کېدو لپاره په خپل منځ کې یوه سیاسي توافقپاڼه هم لاسلیک کړې وه.

خو د اوه ویشو ورځو له تېرېدو وروسته سره له دې چې خلک د ملي یووالي حکومت د ترسره شویو چارو نه خوښ دي؛ خو دا چارې بنسټیزې نه بولي. ځکه حکومت تر اوسه یوازې په شعاري چارو لاس پورې کړی دی او شعاري کړنې د خلکو ټولې ستونزې نشي حل کولای.

مثلا تر اوسه د کابل بانک مساله یوازې په شعاري ډول را پورته شوې، هماغه پخوانۍ دوسیه را ژوندۍ شوې او کار پرې روان دی، چې د حقوقي او اقتصادي چارو شنناندو پرې د ولسمشر حامد کرزي د واکمنۍ پر مهال هم نیوکې کړې وې او اوسنی حکومت په دې برخه کې په هماغه لاره روان بولي، کومه چې د وخت وژل دي.

همدارنگه له څو مقرریو پرته او د ځینو مسایلو په اړه له جدي دریځ نیولو پرته د ملي یووالي حکومت نور اقدامات نه دي ترسره کړي او خلک په تمه دي، چې کله به د ملي یووالي حکومت په اصلي مسایلو پیل کوي.

د ملي یووالي حکومت ژمنه کړې وه، چې تر هر څه لومړی به ټاکنیزې ادارې او قوانین اصلاح کوي، ځکه

۴۰ مکتب در سرپل مسدود شدند

در ولسوالی کوهستانات ۶۲ باب مکتب وجود دارد که از آن جمله ۳۲ باب مکتب آن بسته است. فرمانده امنیه سرپل هم‌چنان گفت: بیش از ۱۰ باب مکتب دیگر در منطقه شیرم های مرکز ولایت سرپل بسته اند که مانع رفتن صدها دانش آموز دختر و پسر به مکتب شده است.

آقای گلپهاری افزود: طولانی شدن روند انتخابات و افزایش حملات طالبان داخلی و خارجی در این مناطق باعث گردید تا عملیات‌ها برای بازگشایی این مکاتب انجام نگرند.

فرمانده امنیه ولایت سرپل خاطر نشان کرد: در عملیات زمستانی برای بازگشایی این مکاتب سعی خواهیم کرد.

در ولایت سرپل ۴۱۲ باب مکتب وجود دارد که از جمله آن ۳۸۷ باب آن به روی دانش آموزان باز است.

در مکاتب یاد شده بیش از ۱۵۰ هزار شاگرد مصروف آموزش هستند که ۴۰ درصد آنان را دختران تشکیل می‌دهند.



تهدیدهای بلند امنیتی در ولایت سرپل باعث شد تا بیش از ۴۰ باب مکتب به روی دانش آموزان دختر و پسر بسته شود.

پولیس سرپل می‌گوید: این مکاتب در منطقه «شیرم ها»، ولسوالی «کوهستانات» و «سانچارک» موقعیت دارد.

نور حبیب گلپهاری، فرمانده امنیه سرپل می‌گوید:

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی



برای دفاتر
سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵